یا امام حسین (ع)

شنبه
۳۰ آبان ۱۴۰۵
۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۱ نوامبر ۲۰۲۶

سال سوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۹۵
www.Agaah.ir

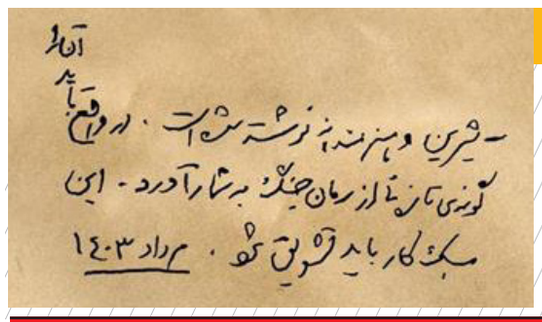
روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

به بهانه انتشار تقریظ رهبر شهید بر رمان «خاک سپاری دوم بانوی مرگ»

قلمی که همچنان همراه دل‌ها و کتاب‌هاست

۴



نشست شنژن
ترامپ را بی‌آبرو ترکرد

تودهنی ایران، روسیه و چین به ترامپ

۳

سیتکس
به پایان رسید

نمایش توان شرکت‌های فناور در رویداد ایران پیشرو

۷

فرهنگ؛ سرمایه‌ای که جنگ و تحریم آن را از بین نمی‌برد

سنگر مستحکم جنگ‌شناختی

۵



نفتکش‌های ایرانی آماده حرکت به سوی مقاصد صادراتی هستند

ایران، محاصره را به آتش می‌کشد

۳

هدف قرارگرفتن نفتکش‌های ما مساوی است با انهدام زیرساخت‌های انرژی منطقه

انحراف از تکالیف برنامه هفتم، اصلاح ساختار مالی شبکه بانکی را به تاخیر انداخته است

ناترازی بانک‌ها در چرخه اضافه‌برداشت

ناترازی شبکه بانکی همچنان یکی از چالش‌های جدی اقتصاد کشور است؛ مشکلی که با وجود پیش‌بینی تکالیف مشخص در برنامه هفتم پیشرفت برای اصلاح ساختار مالی بانک‌ها، همچنان پابرجاست. گزارش اخیر دیوان محاسبات از عدم تحقق بیش از ۶۶ درصد تعهدات دولت در افزایش سرمایه بانک‌ها و تداوم وضعیت نامناسب ۶ بانک بزرگ دولتی و خصوصی حکایت دارد؛ شرایطی که در کنار اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی، می‌تواند به تشدید فشار بر پایه پولی، رشد نقدینگی و افزایش هزینه‌های اقتصادی برای مردم منجر شود.



شبکه بانکی کشور سال‌هاست با مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری از جمله ناترازی منابع و مصارف، ضعف سرمایه، انباشت مطالبات غیرجاری و مدیریت نامناسب دارایی‌ها مواجه است. مشکلاتی که اگرچه بارها در قالب برنامه‌های اصلاحی مورد توجه قرارگرفته‌اند، اما همچنان بخش قابل توجهی از نظام بانکی را درگیر کرده‌اند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین مسیرهای تامین مالی تولید و سرمایه‌گذاری در کشور محسوب می‌شوند و هرگونه اختلال در عملکرد آنها می‌تواند فراتر از صورت‌های مالی بانک‌ها، سایر بخش‌های اقتصاد را نیز تحت تاثیر قرار دهد. به‌ویژه آنکه بانک‌های ناتراز برای جبران کسری منابع خود ممکن است به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی متوسل شوند؛ اقدامی که می‌تواند فشار بر پایه پولی و نقدینگی را افزایش دهد.

تکالیف برنامه هفتم روی زمین ماند

در همین راستا، ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت با هدف اصلاح ساختار مالی و کاهش ناترازی شبکه بانکی، تکالیف مشخصی را برای نظام بانکی کشور پیش‌بینی کرده است؛ با این حال، گزارش مرکز رسانه، بین‌الملل و نظارت عمومی دیوان محاسبات کشور از بررسی عملکرد نظام بانکی از سال ۱۴۰۳ تاکنون، از انحراف در اجرای این تکالیف حکایت دارد. بر اساس این گزارش، با وجود بهبود ظاهری برخی شاخص‌ها، اصلاح واقعی ساختار مالی و رفع ناترازی بانک‌ها محقق نشده است. همچنین هسته اصلی ناترازی، متشکل از دو بانک بزرگ دولتی و چهار بانک خصوصی، همچنان در وضعیت نامناسب قرار دارد. این گزارش نشان می‌دهد که بهبود برخی شاخص‌های آماری به‌تنهایی نمی‌تواند نشانه اصلاح نظام بانکی باشد؛ چراکه تا زمانی که مشکلات ریشه‌ای در ترازنامه بانک‌ها، کیفیت دارایی‌ها و کفایت سرمایه برطرف نشود، امکان تداوم ناترازی و انتقال هزینه‌های آن به اقتصاد وجود خواهد داشت.

یکی از مهم‌ترین محورهای گزارش دیوان محاسبات، عدم تحقق تعهدات دولت در زمینه افزایش سرمایه ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی بانک‌هاست. طبق اعلام این نهاد نظارتی، بیش از ۶۶ درصد این تعهدات محقق نشده که به معنای تامین نشدن بیش از ۱۳۲ هزار میلیارد تومان از منابع پیش‌بینی‌شده است. افزایش سرمایه بانک‌ها یکی از الزامات اساسی برای تقویت بنیه مالی، افزایش توان پوشش ریسک و بهبود قدرت تسهیلات‌دهی آنهاست. بانک‌هایی که از سرمایه کافی برخوردار نیستند، در برابر زیان‌های احتمالی آسیب‌پذیرتر خواهند بود و توان کمتری برای مدیریت تعهدات و اصلاح ترازنامه خود خواهند داشت. جبار کوچکی‌نژاد، نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی، نیز با اشاره به تداوم ناترازی در شبکه بانکی کشور، معتقد است اصلاح ساختار مالی و رفع مشکلات بانک‌های دولتی و خصوصی آن‌گونه که باید محقق نشده است. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با تاکید بر اینکه بخشی از شبکه بانکی همچنان با مشکلات جدی در حوزه منابع و مصارف، کفایت سرمایه و مدیریت دارایی‌ها مواجه است، می‌گوید: بانک‌ها باید در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت، اقدامات موثری برای جلوگیری از انباشت ناترازی انجام می‌دادند و با اصلاح رویه‌های مالی، مدیریت مطالبات غیرجاری و ساماندهی دارایی‌های خود، مانع انتقال مشکلات ترازنامه‌ای به کل اقتصاد می‌شدند. این نماینده مجلس همچنین عدم تحقق تعهدات دولت در افزایش سرمایه بانک‌ها را یکی از موانع مهم اصلاح نظام بانکی می‌داند و تاکید می‌کند تا زمانی که بانک‌ها از سرمایه کافی برخوردار نباشند، نمی‌توان انتظار داشت توان لازم برای مدیریت ریسک‌های مالی و ایفای صحیح نقش خود در تامین مالی اقتصاد را داشته باشند.

اضافه‌برداشت؛ حلقه اتصال ناترازی به تورم

اما یکی از پیامدهای مهم تداوم ناترازی بانکی، افزایش وابستگی بانک‌های مشکل‌دار به منابع بانک مرکزی است. زمانی که بانک‌ها با کسری منابع و عدم تعادل در ترازنامه مواجه می‌شوند، برای جبران این وضعیت ممکن است به اضافه‌برداشت متوسل شوند؛ موضوعی که آثار آن به کل اقتصاد منتقل خواهد شد. کوچکی‌نژاد در همین زمینه با بیان اینکه ناترازی بانکی صرفا به صورت‌های مالی بانک‌ها محدود نمی‌شود، تصریح می‌کند: زمانی که بانک‌ها با کسری منابع و ناترازی ترازنامه مواجه می‌شوند، برای جبران این وضعیت به منابع بانک مرکزی متوسل خواهند شد و همین مسئله می‌تواند به رشد پایه پولی و نقدینگی دامن بزند. به گفته وی، اگر اصلاح ساختار مالی بانک‌ها به تعویق بیفتد، هزینه آن در قالب تشدید تورم، کاهش قدرت خرید مردم و افزایش بی‌ثباتی اقتصادی نمایان خواهد شد. درواقع، اضافه‌برداشت بانک‌ها می‌تواند چرخه‌ای معیوب ایجاد کند؛ به این معنا که ضعف ساختار مالی، کسری منابع را افزایش می‌دهد و اتکا به منابع بانک مرکزی نیز فشارهای پولی و تورمی را تشدید می‌کند.

از سوی دیگر، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی نیز مدیریت دارایی‌ها و تعهدات بانک‌ها را دشوارتر خواهد کرد. این شرایط در نهایت می‌تواند توان شبکه بانکی برای تامین مالی بخش تولید را نیز کاهش دهد؛ چراکه بانک‌های گرفتار ناترازی، به جای ایفای نقش موثر در حمایت از فعالیت‌های مولد، بخش مهمی از ظرفیت خود را صرف مدیریت کسری‌ها و تعهدات انباشته می‌کنند. در کنار مسئولیت دولت برای تامین سرمایه بانک‌ها، بانک مرکزی نیز وظیفه مهمی در نظارت بر عملکرد شبکه بانکی و تعیین تکلیف موسسات اعتباری مسئله‌دار بر عهده دارد. دیوان محاسبات کشور در گزارش خود با تاکید بر ضرورت اقدام فوری بانک مرکزی، خواستار اجرای کامل تکالیف قانونی از جمله سلب حق تقدم سهامداران ناکارآمد در افزایش سرمایه بانک‌های غیردولتی، اجرای فرآیند گزیر و تعیین تکلیف قطعی موسسات اعتباری بحرانی از طریق اصلاح، ادغام یا انحلال شده است.

اجرای این اقدامات می‌تواند زمینه برخورد موثرتر با بانک‌های ناتراز و جلوگیری از تداوم فعالیت ساختارهای مالی ناکارآمد را فراهم کند. درواقع، نظارت بانک مرکزی نباید صرفا به دریافت گزارش‌های مالی و تذکرهای اداری محدود شود، بلکه باید با استفاده از ابزارهای قانونی، بانک‌های متخلف و موسسات اعتباری بحران‌زده را ملزم به اصلاح ساختار خود کند. کوچکی‌نژاد نیز با تاکید بر ضرورت تقویت نظارت بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی، معتقد است بانک‌هایی که از تکالیف قانونی فاصله گرفته‌اند، باید برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده و قابل ارزیابی برای اصلاح ترازنامه و بهبود شاخص‌های مالی خود ارائه کنند. وی همچنین تاکید دارد که بانک‌ها به جای اتکا به منابع بانک مرکزی و ایجاد تعهدات مالی فراتر از توان واقعی خود، باید انضباط مالی را در دستور کار قرار دهند تا مشکلات آنها به سایر بخش‌های اقتصاد منتقل نشود.

اصلاح بانکی؛ از آمار تا واقعیت

آنچه از گزارش دیوان محاسبات و اظهارات نماینده مجلس برمی‌آید، نشان می‌دهد مشکل اصلی شبکه بانکی صرفا کمبود منابع یا ضعف برخی شاخص‌های مالی نیست، بلکه مجموعه‌ای از نارسایی‌های ساختاری و اجرایی، روند اصلاح نظام بانکی را با مشکل مواجه کرده است. از یک سو، عدم تحقق بخش عمده تعهدات دولت در افزایش سرمایه بانک‌ها، توان مالی آنها را برای اصلاح ترازنامه محدود کرده و از سوی دیگر، استمرار فعالیت بانک‌های ناتراز و اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی، می‌تواند به تشدید ناترازی‌های پولی و افزایش فشارهای تورمی منجر شود. در چنین شرایطی، اجرای ماده ۸ برنامه هفتم باید از سطح گزارش‌دهی و اقدامات مقطعی فراتر برود و نتایج آن در شاخص‌هایی مانند افزایش کفایت سرمایه، کاهش اضافه‌برداشت، کنترل رشد ترازنامه و بهبود کیفیت دارایی‌های بانک‌ها نمایان شود.

اصلاح شبکه بانکی نیازمند اقدام هماهنگ دولت، بانک مرکزی و مدیران بانکی است؛ دولت باید تعهدات خود را در افزایش سرمایه تعیین تکلیف کند، بانک مرکزی با بانک‌های ناتراز و موسسات اعتباری بحران‌زده برخورد قانونی داشته باشد و بانک‌ها نیز انضباط مالی و اصلاح ساختار دارایی‌های خود را در اولویت قرار دهند. در نهایت، ناترازی بانک‌ها مسئله‌ای فراتر از ترازنامه موسسات مالی است و آثار آن مستقیما به تورم، تولید، سرمایه‌گذاری و قدرت خرید خانوارها منتقل می‌شود. بنابراین، تا زمانی که اصلاحات بانکی به نتایج ملموس نرسد، نمی‌توان انتظار داشت شبکه بانکی از چرخه کسری منابع و اضافه‌برداشت خارج شود و به جایگاه واقعی خود در تامین مالی پایدار اقتصاد بازگردد.

وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باید به نفع ایران پایان یابد



امیر اسماعیلی
سردبیر

شرایط کنونی کشورمان ایران، که پس از حمله نظامی رژیم اشغالگر و دولت سفاک آمریکا و جنگ تحمیلی دوم و سوم در ماه‌های اخیر به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» تبدیل شده، نه تنها پایدار نیست، بلکه هزینه های سنگینی بر اقتصاد، امنیت روانی جامعه و ظرفیت های برنامه ریزی کشور تحمیل می کند. این وضعیت معلق، که نه جنگ تمام عیار است و نه صلح پایدار، در عمل ابزاری است که برای فشار فرسایشی علیه کشورمان عمل می کند و تداوم آن به ضرر منافع ملی تمام می شود. پایان دادن به این شرایط، نه به هر قیمتی، بلکه به نحوی که سایه تهدید نظامی و اقتصادی از کشور دور شود و حقوق و امنیت ایران تضمین شود، ضرورتی راهبردی است. در این وضعیت، نه می توان برنامه ریزی بلندمدت اقتصادی و توسعه‌ای انجام داد و نه آمادگی کامل جنگی را بدون هزینه های سنگین حفظ کرد. نااطمینانی ناشی از احتمال بازگشت درگیری، تصمیم های سرمایه‌گذاری، تجارت و حتی زندگی روزمره مردم را مختل می کند. اقتصاد کشور که پیشتر نیز تحت فشار تحریم ها بوده، اکنون با محاصره‌های دریایی، محدودیت‌های عبور از تنگه هرمز و تهدیدهای پراکنده، بیش از پیش آسیب می بیند. این بلاتکلیفی، انسجام اجتماعی را نیز تهدید می کند و دشمنان را به ادامه سیاست فشار حداکثری بدون پرداخت هزینه کامل تشویق می کند.

پایان این شرایط به نفع ایران، به معنای پذیرش صلحی تحمیلی یا عقب‌نشینی از مواضع اصولی نیست؛ بلکه مستلزم آن است که طرف مقابل -به‌ویژه آمریکا- شروط اساسی ایران را بپذیرد؛ رفع محاصره دریایی، پایان جنگ اقتصادی و تحریم ها، آزادسازی دارایی های مسدودشده، توقف درگیری ها در جبهه های منطقه‌ای و ارائه تضمین های معتبر برای جلوگیری از تکرار تجاوز. تنها در چنین چارچوبی است که ایران می تواند از وضعیت تعلیق خارج شود و به سمت ثبات و توسعه حرکت کند. تقویت قدرت ملی در ابعاد نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک، افزایش هزینه هرگونه ماجراجویی دشمن و تحکیم روابط با همسایگان و قدرت های منطقه‌ای، ابزارهای اصلی برای تحقق این نتیجه هستند.

تداوم وضعیت فعلی، خطر عادی سازی بحران را به همراه دارد. آنچه باید موقت تلقی شود، اگر طولانی شود، به یک جنگ منجمد تبدیل می شود که در آن فشار اقتصادی و تهدید نظامی بدون آتش بس رسمی ادامه می یابد. این الگو برای طرف مقابل کم هزینه تر از جنگ مستقیم است، اما برای کشورمان فرسایشی و مخرب. بنابراین، ایران اسلامی نباید اجازه دهد این وضعیت به وضعیت مطلوب دشمن تبدیل شود. خروج با عزت از آن، از طریق ترکیبی از بازدارندگی قوی و دیپلماسی فعال، هم ممکن است و هم ضروری. در نهایت، منافع ملی ایران ایجاب می کند که این بلاتکلیفی پایان یابد. کشورمان با مقاومت جدی در برابر حمله نظامی تحمیلی اسرائیل و آمریکا، نشان داد که معادلات ذهنی دشمن نمی‌تواند همان‌گونه که مطلوبشان است، پیاده شود چون ایران اسلامی مانند کشورهای دیگر نیست که انسجام خود را از دست بدهد و تنها نظاره گر باشد. شرایط نه جنگ، نه صلح باید تمام شود، نه با تسلیم در برابر فشار، بلکه با تحمیل واقعیتی که دشمنان را از تهدید مجدد بازدارد و فضای امنیتی و اقتصادی کشور را برای پیشرفت بازکند. هر راهبردی که این هدف را محقق نکند، صرفا تمدید هزینه هاست. زمان آن رسیده که وضعیت «نه جنگ، نه صلح» به نفع ایران و به نفع ثبات پایدار منطقه خاتمه یابد.



حجت‌الاسلام حاج علی‌اکبری، خطیب نماز جمعه تهران:

نیروهای مسلح برای مواجهه با هر سناریویی آماده هستند

«آگاه» درگفت‌وگو با یک فعال سیاسی الزامات قدرت‌یابی ایران را بررسی کرد

چشم‌انداز ایران قوی



قوی شدن به عنوان راه علاج پیشرفت کشور از تاکیدات همیشگی رهبر شهید انقلاب بود. ایشان با اشاره به ضرورت تقویت همه‌جانبه، از قدرت علمی و اقتصادی تا انسجام مدیریتی و فرهنگی، مسیر آینده کشور را در یک واژه خلاصه کرده بودند: «قوت». اما «قوی شدن» صرفا شعار سیاسی نیست؛ مفهومی چندبعدی است که می‌تواند در صورت اجرا، موتور محرک توسعه پایدار در ایران باشد.

در دنیای امروز، اگر کشوری ضعیف باشد، دیگر نمی‌تواند برای آینده خود تصمیم بگیرد و باید طبق خواسته دیگران زندگی کند. ایران برای اینکه بتواند براساس ارزش‌ها، فرهنگ و منافع ملی خود، در جهان قدم بردارد و نه براساس دستورات قدرت‌های بیگانه، نیاز به قدرت دارد. قوی شدن یعنی، قدرت تصمیم‌گیری، بدون فشار دیگران. در همین رابطه با یک فعال سیاسی گفت‌وگو کرده‌ایم.



حجت‌الاسلام سیدرضا تقوی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، تاکید کرد که حتی عبادت خدا در سایه قدرت امکان‌پذیر است و گفت: اگر قدرت نداشته باشیم، نمی‌توانیم فرایضی چون نماز، روزه و پرداخت زکات را به‌درستی به جای آوریم و بدون قدرت، در برابر شیاطین مغلوب خواهیم شد. تاکید اسلام بر وحدت و یکپارچگی، برای شکل‌گیری قدرت ملی و حفظ منافع کشور است.

وی افزود: دست خدا با جماعت است و هرجا مردم حضور یکپارچه داشته باشند، قدرت خدا نمایان می‌شود. وحدت ملی یکی از ابزارهای اصلی قدرت است و هرچه این همبستگی فشرده‌تر و مستحکم‌تر باشد، قدرت کشور نیز افزون‌تر خواهد شد.

نماینده ادوار مجلس عامل دوم در ساخت ایران قوی را علم و دانش دانست و اظهار کرد: علم به‌معنای واقعی کلمه قدرت است. اسلام همگان را به دانش‌آموزی فرامی‌خواند و این امر محدود به زمان و مکان نیست، چنانکه سفارش شده برای کسب دانش حتی به دورترین نقاط جهان سفر کنید، علم را فراگیرید و آن را برای پیشرفت جامعه به کار ببندید.

تقوی می‌گوید: امروز اگر غرش موشک‌ها را می‌شنویم و در برابر آمریکا و مستکبران متجاوز ایستاده‌ایم و پوزه آنان را به خاک می‌مالیم، ثمره پیوند قدرت نظامی و علمی است. قدرت نظامی امروز ما حاصل تلاش اندیشمندان، متفکران و دانشمندان این مرزوبوم است که توانسته‌اند بینی مستکبران را به خاک بمالند.

وی با بیان اینکه قدرت نظامی تنها یکی از جلوه‌های اقتدار است، تاکید کرد: باید کشور را بسازیم و قدرت دفاعی را تقویت کنیم. در دنیایی که قوانین بین‌المللی رنگ باخته و تنظیم‌کنندگان آن خود در حال زیر پا گذاشتن این قوانین هستند، به قدرت دفاعی نیازی مبرم داریم، قدرتی که بخش قابل‌توجهی از آن ریشه در علم، دانش و تربیت نیروی انسانی کارآمد دارد، زیرا اگر ضعیف باشیم، پامال خواهیم شد. وقتی از قدرت سخن می‌گوییم و در پی قدرتمند شدن هستیم، هدفمان ابزار استثمار و استعمار نیست؛ بلکه این قدرت برای دفاع از خود، سازندگی کشور، پشتیبانی از محرومان و مستضعفان، ایستادگی در برابر سلطه‌خواهان و قطع دست دزدهای بین‌المللی است.

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت گفت: «امام شهیدمان، ایران قدرتمند را پایه‌گذاری کرد و رهبر مقتدر ایران نیز برای تحقق «ایران قوی»، قدرت را در چند حوزه دنبال کرده‌اند که نخستین و مهمترین آن، «قدرت نرم» یعنی قدرت فکری و فرهنگی است. امام راحل بزرگوارمان تاکید فراوانی بر فرهنگ کشور داشتند، چراکه تضعیف فرهنگ، به تضعیف کل کشور می‌انجامد.»

فرجام سخن اینکه جمهوری اسلامی نه در پی سلطه است و نه در جست‌وجوی جنگ؛ هدف اصلی، پیشگیری از جنگ از طریق قدرت بازدارندگی است. ما به دنبال قدرت هستیم تا جهان به این حقیقت روشن ایمان بیاورد حق، اگر قدرت را در اختیار داشته باشد، هرگز در برابر باطل، شکست نمی‌خورد.

«آگاه» سخنان روزگذشته سرلشکر وحیدی در جمع دانشجویان بسیجی را بررسی می‌کند

می‌خواستند ما را عوض کنند خودشان عوض شدند



بعضی از اظهارات در فضای سیاسی کشور صرفا موضع‌گیری ساده تلقی نمی‌شود که به راحتی از کنارش عبور کرد، به دلیل آنکه پیامدهای مهمی در داخل و خارج از کشور به خصوص برای دشمن متجاوز دارد. سخنان سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه، در اختتامیه همایش «پیشگامان رهایی» از همین جنس است. مخاطب او به‌ظاهر دانشجویان بسیجی بودند، اما در واقع معادله قدرت ایران در میدان بازخوانی شد.

نخستین نکته‌ای که باید درست فهمیده شود، همان ترکیب «جهاد بزرگ و مقدس» است. این عبارت، اگر در فضای عمومی گفته شود، ممکن است مورد توجه همگان قرار نگیرد، اما وقتی فرمانده کل سپاه آن را با استناد به حدیث «إنّ الجهاد بابٌ من ابواب الجنّة» می‌آورد، معنایش این است که نبرد امروز در دسته‌بندی او، نه درگیری مرزی و نه حتی یک جنگ منطقه‌ای، بلکه ستیز نهایی با استکبار جهانی است. چنین تعریفی، پیامدهای عملی دارد. در نگاه فرمانده، پیروزی فقط عقب راندن یک ناو یا انهدام یک سامانه نیست؛ پیروزی یعنی تغییر باور جهانی نسبت به اینکه آمریکا همیشه با قلدری نمی‌تواند برنامه‌هایش را به پیش ببرد.

همین جاست که سخن او به میراث امام شهید گره می‌خورد. رهبر شهید انقلاب، پیش از شهادت‌شان، مکرر بر یک جمله تاکید می‌کردند: «نزدیک قله‌ایم؛ خستگی ممنوع.» سردار وحیدی همان جمله را به امروز وصل کرد؛ قله‌ای که به دست جهادگران فتح می‌شود و پس از آن، قله‌های بلندتری در انتظار است.

پیچ تاریخی؛ تعبیری که بار سنگینی بر دوش می‌گذارد

تعبیر «پیچ تاریخی» را نباید ساده گرفت. در ادبیات راهبردی، پیچ تاریخی جایی است که مسیر یک ملت برای دهه‌ها تعیین می‌شود، نقطه‌ای که در آن، هزینه تصمیم نگرفتن بیش از هزینه تصمیم گرفتن است. فرمانده کل سپاه با قراردادن ملت ایران در این نقطه، عملا دو پیام را با هم منتقل کرد. نخست اینکه این مقطع، مقطعی گذرا و معمولی نیست و دوم اینکه در چنین نقطه‌ای، نقش آمادگی تعیین‌کننده است. او حتی از تعبیر «نقش‌آفرینی» استفاده کرد، نه حضور. این تفاوت، تفاوت میان تماشاگر و بازیگر است. از این منظر، همایشی که مخاطبش دانشجویان بودند، تصادفی نیست. اگر این نبرد، تمدنی و شناختی است، پس سرمایه اصلی‌اش هم نه سخت‌افزار، بلکه همان نسلی است که باید روایت میدان را در ذهن جامعه و جهان بسازد.

شاید ملموس‌ترین محور سخنان او، همان جمله‌ای باشد که گفته بود: «شاهد ناامیدی و یاس در اردوگاه دشمن هستیم.» برای این بخش از سخنان سرلشکر وحیدی باید دنبال قرینه‌های بیرونی رفت و قرینه‌ها هم کم نیستند. در آمریکا، نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای، کنترل هر دو مجلس را از جمهوری‌خواهان گرفت. انتخاباتی که در فضای جنگ برگزار شد و به گفته تحلیلگران، یکی از پیام‌هایش این بود که افکار عمومی آمریکا با ادامه این جنگ همراه نیست. در سرزمین‌های اشغالی هم صحنه به نفع بنیامین نتانیاهو رقم نخورد و او روزهای سخت و دشواری را می‌گذراند. نتایج انتخابات، نه پیروزی قطعی برای نتانیاهو رقم زد و نه مخالفان را به اکثریت رساند. بلوکی که او را حمایت می‌کند به ۵۳ کرسی رسید، در حالی که برای تشکیل دولت، دست‌کم ۶۱ کرسی لازم است. به این ترتیب، رژیمی که زمانی با دو هفته از پایان کار جمهوری اسلامی حرف می‌زد، امروز درگیر بحران تشکیل کابینه است. به همین جهت ناامیدی در اردوگاه دشمن، محصول محاسبه دقیق است. وقتی هزینه‌ها بالا می‌رود و نتایج پایین می‌آید، یاس به‌طور طبیعی از دل داده‌ها بیرون می‌آید.

«می‌خواستند ما را عوض کنند، خودشان عوض شدند»، این نکته بخش دیگری از سخنان فرمانده کل سپاه بود که قابل تامل و ارزیابی است. در ادبیات جنگ، همیشه این تصور وجود دارد که طرف ضعیف‌تر باید خودش را با شرایط تطبیق دهد. اما سرلشکر احمد وحیدی می‌گوید: «معادله برعکس شده است. هدف دشمن، تغییر جمهوری اسلامی بود، اما نتیجه این شد که خود دشمن تغییر کرد.» وی از سه بازه زمانی متفاوت حرف زد؛ ۷۲ ساعت، دو هفته و بعد جنگ طولانی. همین تغییر تقویم، خودش سند تغییر محاسبه است. طرفی که برای نبرد چندروزه برنامه‌ریزی کرده بود، ناگهان خود را در جنگی دید که در با تلاقش گیر کرده و در آن، حجم مهمات و تعداد ناوهای هواپیمابرهم نتوانست مسئله را حل کند.

فرمانده کل سپاه گفت: «ناوهای دشمن جرات نزدیک شدن به سواحل ایران را ندارند.» بنابراین بخواهد خطایی مرتکب شود سیلی‌های سنگین دریافت می‌کند. اینجا باید به عملیات اخیر، انهدام سامانه راداری آمریکا در پایگاه شیخ عیسی بحرین با پهپادهای رزمی سپاه، در پاسخ به نقض حریم هوایی اشاره کرد. این عملیات را در کنار شکارپی‌درپی پهپادهای متخاصم و هدف قرارگرفتن پایگاه‌های آمریکا در کویت، امارات، بحرین و اردن قرار دهیم، تصویر کامل می‌شود. میدان، دیگر محدود به جغرافیا نیست و دشمن در هر نقطه‌ای که باشد، در معرض هزینه است. پس عقل سلیم حکم می‌کند نزدیک به سواحل ایران نشود.

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های سخنان وی، استفاده از تعبیر «نوزایی» بود با این توضیح که انقلاب به همان جوانی و شور و نشاط روز تولدش بازگشته است. در جریان جنگ، آنچه دشمن رویش حساب کرده بود، شکاف میان مردم و نظام بود، اما حضور خیابانی مردم مبعوث شده از هر نسل و سلیقه همان سرمایه‌ای بود که محاسبه دشمن را به هم زد. پس «نوزایی» را باید در همین نسبت خواند؛ انقلابی که نسل تازه‌اش را در میدان جنگ ترکیبی (سخت، نرم و شناختی) پیدا کرده است.

تمامی مطالب بیان شده از سوی فرمانده کل سپاه از سوی سرویس‌های موساد و سیا نکته‌سنجی می‌شود. طبیعتا آنجایی که وی از قصاص سخن به میان آورد و اعلام کرد که «دنیا دیگر برای قاتلان و جنایتکاران جای امنی نیست»، برای آنها سنگین تمام می‌شود. پیش از این رهبر انقلاب در پیامی ضمن قدردانی صمیمانه از حضور ده‌ها میلیونی مردم ایران و عراق در مراسم تشییع «آقای شهید ایران»، آورده بودند: «عهد می‌بندیم که انتقام خون امام شهید را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم.»

سخن فرمانده کل سپاه در کنار موضع رسمی نظام قرار گیرد، نتیجه «دکترین تعقیب» حاصل می‌شود. برهمین اساس، دامنه زمانی و جغرافیایی پاسخ ما (انتقام) باز است و طرف مقابل نمی‌تواند با گذشت زمان، پرونده را ببندد. برای دشمن، این یعنی زندگی در ناامنی دائمی.

اعتراف به شکست

سردار وحیدی گفت: دشمن راهی جز اعتراف به شکست ندارد و متجاوز باید تنبیه شود. این جمله، در واقع جمع‌بندی تمام محورهای پیشین است. زمانی که ناوها عقب می‌نشینند، رادارها هدف‌گیری می‌شوند، پایگاه‌های منطقه در تیررس‌اند، افکار عمومی داخل آمریکا و بحران سیاسی در سرزمین‌های اشغالی فشار را بالا می‌برد اعتراف به شکست برای طرف مقابل انتخاب نیست، اجبار است. تنها پرسشی که می‌ماند، شکل این اعتراف است. صریح یا پنهان، زودهنگام یا با تاخیر.

آنچه در این سخنان شنیدیم منظومه به‌هم‌پیوسته بود. در لایه اول، اراده الهی، ایمان و پیوند مردم با نظام قرار دارد. همان چیزی که امام شهید با تعبیر «نزدیک قله‌ایم» به آن اشاره کرده بود و امروز به واقعیت تبدیل شده است. در لایه دوم، «میدان» است. ابتکار عمل در دریا، گسترش دامنه نبرد تا آب‌های آزاد و توان ضربه دقیق در عمق مواضع دشمن در میدان قابل مشاهده است. در لایه سوم باید به برنامه‌های دشمن متجاوز پرداخت. جایی که محاسبه هزینه و فایده به هم ریخته و یاس، جای اعتماد را گرفته است. سه لایه در کنار هم، نتیجه روشن را نمایش می‌دهد. ایران در این نبرد، از مرحله دفاع صرف عبور کرده و به مرحله مدیریت هزینه دشمن رسیده است. اما همین سخنان، هشدار درونی نیز دارد که نباید از چشم بیفتد. تعبیر «بخش بزرگی از نبرد را پشت سر گذاشته‌ایم و بخش بزرگی در پیش داریم» یعنی مسیر تمام نشده است. فتح قله، جای توقف در قله را نمی‌گیرد و درسی که از پیچ تاریخی بیرون می‌آید، ساده اما تعیین‌کننده است. ملتی که سرمایه اصلی‌اش اراده و انسجام است، اگر همان سرمایه را حفظ کند، هیچ تجهیزاتی نمی‌تواند او را متوقف کند و اگر همان سرمایه سست شود، هیچ تجهیزاتی هم نمی‌تواند نجاتش دهد. ملت ما کما فی‌السابق در کنار نیروهای مسلح برای پیروزی نهایی در میدان و خیابان قرار دارند.

راهبرد ایران برای بازتعریف نظم امنیتی خود

محمدرضا رفیعی، آگاه مسائل منطقه: وقتی به کشوری مانند جمهوری اسلامی حمله می‌شود، این ناامنی دامن تمام کشورهای منطقه را خواهد گرفت، بنابراین کشورها یا باید در ایجاد امنیت مشارکت کنند یا اگر یک کشور ناامن شود، همه ضرر خواهند کرد. کشورهای منطقه ارتش‌ها و نیروهای مستقل دارند و نیازی نیست کشوری از چند هزار کیلومتر آن سوتر بیاید و با ایجاد پایگاه، برای آنها امنیت برقرار کند. این خودش «ناامن‌سازی» است.

بهترین سیاست خروج تدریجی آمریکا از منطقه با اتکا به استقلال کشورهای منطقه و شکل‌گیری سازمان‌های همکاری مشترک است. جمهوری اسلامی نیز باید بتواند در این سازمان‌ها نقش خود را ایفا کند، در غیر این صورت، هرگونه ناامنی دامن همه، حتی کشورهای خارج از منطقه را خواهد گرفت. اگر ناامنی در این منطقه ایجاد شود، بسیاری از کشورهای اروپایی، آمریکا و حتی آسیای جنوب شرقی را نیز مبتلا خواهد کرد.

هرکس در این منطقه هدفی دارد؛ ایران بیشتر دنبال خروج قدرت‌های خارج از منطقه است، آمریکا به دنبال حفظ و حتی گسترش نفوذ خود است و رژیم صهیونیستی هم به دنبال معماری امنیتی مورد نظر خود است، در حالی که جمهوری اسلامی با محور مقاومت، به‌ویژه در همسایگی این رژیم مانند حزب‌الله لبنان، ساختار متفاوتی ایجاد کرده است. در این شرایط منافع مختلفی به هم برخورد می‌کنند و این امر چالش‌آفرین است، اما راه‌حل، یافتن نقاط مشترک با کشورهای منطقه و بیرون راندن کسانی است که خارج از منطق اصلی و منافع ملی منطقه عمل می‌کنند؛ ضمن آنکه دست برتر تاکنون با جمهوری اسلامی بوده است، کشورهای منطقه و حتی کشورهای متخاصم باید بدانند که ایران دیگر یک «نقطه کنار» نیست، بلکه کشوری است که اگر قرار است در منطقه امنیت برقرار شود، حتما یکی از نقاط کلیدی آن جمهوری اسلامی خواهد بود. اگر این واقعیت پذیرفته شود، چالش‌ها برطرف می‌شود، اما اگر با زور، اجبار و تحریم بخواهند آن را نادیده بگیرند، منطقه ناامن‌تر خواهد شد و دود آن به چشم همه خواهد رفت.

نکته دیگر درباره تاثیر اختلافات مرزی، ناامنی‌های پیرامونی و تحولات سیاسی کشورهای همسایه بر امنیت ملی ایران اختصاص دارد. امنیت مرزها با همکاری دوجانبه تامین می‌شود و در اطراف جمهوری اسلامی گروه‌های معاند زیادی وجود دارند که از سوی برخی دولت‌های منطقه‌ای و کشورهایی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی پشتیبانی می‌شوند؛ گروه‌هایی مانند پژاک، جیش‌الظلم در شرق ایران و گروه‌های تکفیری فعال در پاکستان. حتی در کشورهای شمال ایران نیز گروه‌هایی وجود دارند که گاه‌به‌گاه برای عملیات پشتیبانی استفاده می‌شوند، بنابراین اگر قرار است امنیت هم برای کشورهای همسایه و هم برای جمهوری اسلامی برقرار شود، این پشتیبانی‌ها باید متوقف شود.

گزارش «آگاه» درباره چگونگی تولید پایداری اجتماعی را بخوانید

الگوی حکمرانی مردمی، یک ضرورت راهبردی است

در ساختارهای مدیریتی، همیشه این پرسش وجود داشته است: «بهترین راه برای مدیریت یک جامعه، تمرکز قدرت در مرکز یا توزیع آن در میان مردم است؟» در حالی که مدل‌های متمرکز، سرعت تصمیم‌گیری را بالا می‌برند، اما اغلب در دقت اجرا و ارتباط با واقعیت‌های میدانی، دچار خطا می‌شوند. امروز، با توجه به پیچیدگی‌های اقتصادی و امنیتی جهان، الگوی حکمرانی مردمی نه یک انتخاب، که ضرورت راهبردی است؛ همان‌گونه که دولت چهاردهم و شخص رئیس جمهور بارها به این موضوع پرداخته‌اند و اخیرا حجت‌الاسلام طائب در نشست فرماندهان مقاومت به اهمیت این رویکرد و پیوند آن با ساختارهای محلی و مسجدمحور اشاره کرد. حال باید پرسید، چرا این مدل، قابل دفاع است؟

وقتی قدرت از مرکز به سمت ساختارهای محلی حرکت می‌کند، فاصله میان تصمیم و نیازسنجی به حداقل می‌رسد. در مدل‌های متمرکز، تصمیمات کلان اغلب به واسطه گزارش‌ها و شور و مشورت مدیران اتخاذ می‌شود اما در حکمرانی مردمی، تصمیم‌گیری بر پایه دانش بومی و نیازهای واقعی هر منطقه انجام می‌شود. این یعنی مدیریت دقیق‌تر، هزینه‌کرد بهینه‌تر و پاسخگویی سریع‌تر. درواقع، حکمرانی محلی باعث می‌شود، هر واحد اجتماعی، نه تنها یک مامور اجرا، بلکه یک شریان تصمیم‌گیری باشد.

حکمرانی مردمی، مستقیم با ولی نعمتان انقلاب در ارتباط است. وقتی مردم احساس کنند در فرآیند مدیریت امور زندگی خود -از امنیت گرفته تا اقتصاد و فرهنگ- نقش‌آفرینی می‌کنند، از «مفعول سیاست» به «فاعل سیاست» تبدیل می‌شوند. این تغییر جایگاه، باعث شکل‌گیری سرمایه اجتماعی عظیم می‌شود. در این مدل، مردم دیگر تنها در زمان انتخابات دیده نمی‌شوند، در تمامی عرصه‌ها، با احساس مالکیت بر نظام و ساختارها، در مدیریت امور مشارکت می‌کنند. در ایران، ساختارهای محلی و به‌ویژه مسجد، فراتر از فضای عبادی، به عنوان شبکه‌های اجتماعی پایا عمل می‌کنند. حکمرانی مسجدمحور و محلی، در اصل به معنای استخراج قدرت از دل ساختارهای سنتی و مردمی است. به هرحال، مسجد به عنوان مرکز مدیریت اجتماعی، می‌تواند نقش پل ارتباطی را ایفا کند که همزمان در حوزه‌های مختلف عمل می‌کند؛ از مدیریت بحران‌های اجتماعی تا حمایت‌های اقتصادی و فرهنگی. این یعنی مدیریت کشور، به جای تکیه بر ساختارهای دولتی، بر پایه شبکه‌های مردمی حرکت می‌کند. این مدل، هزینه‌های اجرایی را کاهش و اثرگذاری را افزایش می‌دهد.

بالاخره در عصر نبردهای ترکیبی و جنگ‌های سایبری، مفهوم امنیت از مرزهای جغرافیایی به سمت امنیت اجتماعی و فرهنگی حرکت کرده. حکمرانی مردمی در این حوزه، لایه دفاعی قدرتمند ایجاد می‌کند. هنگامی که مردم در ساختارهای محلی و مسجدمحور، خودشان مسئول حفظ امنیت اجتماعی، سلامت فرهنگی و پایداری اقتصادی منطقه باشند، ما با امنیت خودجوش روبه‌رو هستیم که در پایداری پیوند میان ملت و حاکمیت نهفته است.

اردشیر گراوند، پژوهشگر اجتماعی، راهکار برون‌رفت جامعه ایرانی از شرایط کنونی را بازگشت به مردم می‌داند و می‌گوید: منظور از این بازگشت آن است که مدیریت کشور را محله‌به‌محله و با مشارکت خود مردم، به‌ویژه جوانان همان محلات، پیش ببریم. این رویکرد هم از نظر علمی قابل دفاع است و هم می‌توان برای آن سازوکار اجرایی مناسبی طراحی کرد.

وی افزود: تابستان سال گذشته، در قالب سفری به ۱۷ کشور و با پیمودن حدود ۲۲ هزار کیلومتر رانندگی، از نزدیک تجربه کشورهای مختلف را بررسی کردم. کشورهایی که از ظرفیت‌های محلی و مشارکت مردم استفاده می‌کنند، زیباتر، منظم‌تر و برخوردار از قواعد مدیریتی کارآمدتری هستند. در مقابل، کشورهایی که بیش از اندازه به دولت و ساختارهای متمرکز متکی هستند، معمولا با بی‌نظمی، ضعف در مدیریت و وضعیت نامناسب‌تری مواجه‌اند. بنابراین، حکمرانی محلی یکی از مهم‌ترین ابعاد حکمرانی کلان است.

این پژوهشگر اجتماعی با بیان نمونه اسپانیا اظهار کرد: در این کشور، همه ایالات از استقلال و اختیارات قابل توجهی برخوردارند و میان آنها نوعی رقابت در زمینه توسعه و زیباسازی مناطق شکل گرفته است. این رقابت را می‌توان به رقابت میان تیم‌های فوتبال رئال مادرید و بارسلونا تشبیه کرد.

گراوند با تاکید بر اینکه همان‌طور که میان این دو تیم رقابتی جدی وجود دارد، در زمینه ساماندهی شهری، زیباسازی، نظم و توسعه مناطق نیز رقابت قابل توجهی میان مناطق مختلف اسپانیا دیده می‌شود، گفت: این نوع رقابت و مدیریت محلی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و شهری تاثیرگذار است. مدل حکمرانی محلی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی و فرهنگی شود و به تقویت انسجام و توسعه کشور کمک کند.

وی درباره اینکه مشارکت محلات و مساجد در فرآیند تصمیم‌گیری چگونه می‌تواند حاکمیت را در اتخاذ تصمیمات متناسب با جامعه یاری کند، گفت: گاهی افرادی تلاش می‌کنند از موضوع مسجدمحوری برداشت نادرستی ارائه دهند یا آن را در مقابل محله‌محوری قرار دهند در حالی که مسجد جزو لاینفک محله است. در هر محله ممکن است مسجد، کلیسا، مدرسه، خانه فرهنگ، سرای محله، معتمدان، ریش‌سفیدان و دیگر عناصر اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشند. همه این عناصر در شکل‌گیری هویت و شبکه ارتباطی محله نقش دارند.



اما موضع‌گیری دولت هم در همین رابطه جالب توجه است. حجت‌الاسلام علی عماد، مشاور رئیس جمهور در امور روحانیت، ۲۱ آبان در گفت‌وگویی با خبرگزاری دولت گفته بود: «اگر قرار است مردم وارد میدان شوند، باید از مدلی استفاده کنیم که با جامعه ایران و ظرفیت‌های فرهنگی آن تناسب داشته باشد. جامعه ایران از ظرفیت‌هایی برخوردار است که محله و مسجد از جمله آنها هستند، آقای پزشکیان هم محله را به میدان آوردند و هم مسجد را. البته ممکن است بگوییم ظرفیت‌های ذاتی مسجد و نهاد مدیریت محله در مقام عمل به خوبی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته یا فعال نشده است.»

وی می‌گوید: «اگر مسائل یک جامعه را به‌صورت خرد و در سطحی محدود به یکدیگر پیوند دهیم و از آنها یک مسئله بزرگ، پیچیده و چندوجهی بسازیم، حل آن دشوارتر می‌شود. یک پروژه کلان باید به پروژه‌های کوچک‌تر شکسته شود و مرحله به مرحله، به دست بازیگران متخصص خود پیش برود. اگر بتوانیم حل مسائل کشور را با اختیارات استانی به استانداران واگذار کنیم، بخشی از امور را با اختیارات محله‌ها به خود محله‌ها بسپاریم و کانون‌هایی را که می‌توانند موثر و مشارکت‌کننده باشند، به میدان بیاوریم و از ظرفیت آنها استفاده کنیم، اتفاق بسیار خوبی رخ خواهد داد.»

در نهایت، باید گفت: حکمرانی مردمی و محلی، تنها روش مدیریتی نیست؛ بازسازی ساختاری برای عبور از بحران‌هاست. این مدل با توزیع قدرت، افزایش مشارکت فعال مردم و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی، می‌تواند مدیریت کشور را از حالت اعمال دستور به حالت تولید توانمندی تغییر دهد. از این رو حکمرانی محلی و مسجدمحور می‌تواند به ایران آینده، قدرت اجرایی و پایداری اجتماعی ببخشد؛ قدرتی که نه در اتاق‌های بسته، بلکه در قلب محله‌ها و روستاهای کشور شکل می‌گیرد.



علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب:
شکاف دولت و جامعه در بحرین، با چتر پوسیده امنیتی آمریکا پر نخواهد شد

شنبـه/ ۳۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۵



نفتکش‌های ایرانی آماده حرکت به سوی مقاصد صادراتی هستند
ایران، محاصره را به آتش می‌کشد
هدف قرارگرفتن نفتکش‌های ما مساوی است با انهدام زیرساخت‌های انرژی منطقه

روز پنج‌شنبه هفته گذشته سرانجام انتظارها به سررسید و ایران گام عملی خود را برای شکستن محاصره دریایی آمریکا برداشت. طبق اعلام رسانه‌ها، بیش از ۱۴ نفتکش از جزیره خارک، قطب صادراتی نفت ایران بارگیری شدند و در حال عزیمت به مقصد چین هستند. ایران اعلام کرده شلیک به این نفتکش‌ها از ناحیه آمریکا مساوی خواهد بود با منهدم شدن زیرساخت‌های انرژی کشورک‌های حاشیه خلیج فارس. این یعنی ایران معادله وحشت را حاکم کرده است.

ایران با عبور از خط قرمزهای دیپلماتیک، اکنون در قلمرو عملیات است. حرکت ناوگان نفتکش‌ها از قلب خارک، نه یک حرکت تجاری، بلکه یک بیانیه نظامی در پوشش اقتصادی است. پیام تهران به واشنگتن روشن و بی‌پرده است: هرگونه تلاش برای choke کردن (خفه کردن) شریان‌های انرژی ایران، با فروپاشی زنجیره تامین انرژی در منطقه غرب آسیا و پاسخ متقابل در عمق، همراه است. حالا معادله بازدارندگی تغییر کرده؛ اکنون نوبت بازی کردن ماست.

ساعت‌ها به سمت صفر حرکت می‌کنند. زیر سایه تهدیدات همیشگی، ناوگان نفتکش‌های ایرانی از جزیره خارک به سوی شرق حرکت کرده‌اند؛ عزیمتی که بوی جنگ می‌دهد. ایران با این حرکت، لبه تیغ را بر گلوی امنیت انرژی حاشیه خلیج فارس گذاشته است. این دیگر یک بازی ساده برای صادرات نفت نیست؛ این یک شطرنج مرگبار است که در آن، هر حرکت اشتباه آمریکا، می‌تواند منجر به انفجار زیرساخت‌های حیاتی منطقه شود.

■ **تحول بنیادین در استراتژی مدیریت بحران**

گام عملی ایران در مسیر شکستن محاصره دریایی، نشان‌دهنده تحولی بنیادین در استراتژی مدیریت بحران است. اعزام ناوگان نفتکش‌ها از قطب صادراتی خارک به مقصد چین، فراتر از یک تبادل کالا، واکنشی راهبردی به فشارها و تلاش‌های تداوم‌یافته برای محدودسازی ظرفیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران است. اعلام آمادگی تهران برای پاسخ متقابل به هرگونه تعرض، گویای این واقعیت است که معادله امنیتی در منطقه وارد فاز جدیدی شده و هزینه‌های هرگونه مداخله، اکنون فراتر از محاسبات پیشین خواهد بود.

برآوردها در آمریکا و اسرائیل نشان می‌دهد که یک جنگ جدید هیچ‌گونه دستاورد راهبردی برای آنها به همراه نخواهد داشت؛ دستاوردهایی مثل توقف برنامه‌های موشکی و هسته‌ای یا تغییر نظام در ایران. بنابراین در حال حاضر، واشنگتن و تل‌آویو روی یک راهکار به اجماع رسیده‌اند: تشدید فشار اقتصادی و محاصره همه‌جانبه علیه ایران. حالا ایران پس از مدتی مدارا، درصدد شکستن عملیاتی این محاصره است. تهران درک کرده که قوای متخاصم در حال حاضر، توانایی و اجماع لازم برای عملیات تجاوزکارانه ندارند؛ بنابراین با اتکا به موازنه تهدید، در مسیر شکستن قفل محاصره دریایی است.

■ **تبدیل «تحمل» به «گسست»**

واشنگتن و تل‌آویو در تله‌ای استراتژیک گرفتار شده‌اند؛ جایی که هزینه جنگ، بسیار فراتر از سودهای توهمی تغییر نظام یا توقف برنامه هسته‌ای ایران است. این بن‌بست استراتژیک، آنها را به سمت راهکار فرسایشی محاصره اقتصادی سوق داده است. اما ایران با نگاهی واقع‌گرایانه، این فشار را نه به عنوان یک بن‌بست، بلکه به عنوان فرصتی برای بازتعریف معادلات دیده است. تهران با درک دقیق عدم اجماع در اردوگاه دشمن، اکنون از فضای امن حاصل از ضعف عملیاتی آنها برای شکستن قفل‌های محاصره استفاده می‌کند. ایران در حال تبدیل «تحمل» به «گسست» در زنجیره محاصره است.

برآوردها حاکی از آن است که تقابل نظامی مستقیم، برای متخاصمان، پاداشی جز فرسایش نخواهد داشت؛ از این رو، آنها به استراتژی خفگی اقتصادی روی آورده‌اند. با این حال، ایران با تکیه بر ژرف‌نگری در موازنه قدرت، دریافت که دشمن در میانه شکاف میان «میل به فشار» و «توان عملیات»، دچار تزلزل است. اکنون ایران با اتکا به همین موازنه، گام عملی را برای گسستن حصار دریایی برداشته است؛ گامی که نشان می‌دهد مدارای راهبردی، تنها برای آمادگی جهت ضربه نهایی بوده است.

گام عملی ایران برای شکستن محاصره، در فضای سیاسی و رسانه‌ای غرب و مشخصا آمریکا با واکنش‌ها و گمانه‌زنی‌هایی همراه بوده است. تریتا پارسی، از مشاوران حزب دموکرات آمریکا در این باره نوشت: اکنون ظاهرا تهران در حال برداشتن گامی بزرگ برای تغییر وضعیت موجود به نفع خود است. ایران قصد دارد نفتکش‌ها را، نه صرفا کشتی‌هایی که در عملیات انتقال کشتی به کشتی شرکت دارند، در سرپیچی از محاصره ترامپ از تنگه هرمز عبور دهد. تهران همزمان تهدید می‌کند که اگر آمریکا مانع عبور این کشتی‌ها شود، ایران به تاسیسات نفتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حمله خواهد کرد.

رسانه المانیتور نیز روز پنج‌شنبه نوشت: بیش از ۱۴ نفتکش ایرانی مستقر در نزدیکی جزیره خارک، احتمالا آماده ماموریت شکستن محاصره دریایی آمریکا هستند که به زودی آغاز خواهد شد. ایران هشدار داد که اگر حتی یک گلوله به بدنه یک نفتکش ایرانی اصابت کند، به پایانه‌های نفتی در سراسر خلیج فارس، از جمله متعلق به امارات، عربستان و قطر حمله خواهد کرد.

■ **راهبرد جاذبه ترس**

استراتژی جدید ایران، استراتژی مانور در زیست شیشه‌ای نام دارد. ما به آمریکا این پیام را مخابره کردیم که اگر به نفتکش‌های اعزامی ما شلیک شود، منطقه را به آتش می‌کشیم و این جاذبه ترس ما به احتمال زیاد جواب خواهد داد. این مانور قدرت از آنجایی ناشی می‌شود که ما حتی پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز اهرم‌های قدرت خود را در نبرد وجودی و موجودیتی با آمریکا و رژیم صهیونیستی حفظ کردیم.

ما باید اهرم‌های قدرت خود را همچنان با قوت حفظ کنیم؛ تنگه هرمز، اهرم قدرت ماست. باید توانایی و قابلیت خود را در انسداد تنگه هرمز و حتی باب‌المندب حفظ کنیم. باید قابلیت و توانایی خود را در هدف قرار دادن امارات و سایر کشورک‌های هم‌پیمان با رژیم صهیونیستی در منطقه حفظ کنیم. نباید بی‌جهت و تحت تاثیر دیپلماسی لبخند، وارد فازتنش‌زدایی با اعراب حاشیه خلیج فارس شویم؛ باید توجه کنیم که ترتیبات امنیتی و معادلات راهبردی منطقه غرب آسیا دیگر به پیش از ۹ اسفند ۱۴۰۴ بازنمی‌گردد. اگر وارد فاز تنش‌زدایی بی‌جهت و پیمان‌های مضحک منطقه‌ای شویم، آنگاه در صورت تجاوز احتمالی مجدد آمریکا و اسرائیل به کشورمان، بانک اهداف‌مان محدود می‌شود و در زدن کشورک‌های حاشیه‌ای خلیج فارس، محدودیت و محذوریت و معذوریت خواهیم داشت.

استراتژی جدید ایران در شکستن محاصره، آزمون حساس قدرت در میانه تلاطم‌های منطقه‌ای است. ما با مدیریت دقیق جاذبه ترس، ثابت کردیم که هرگونه تعرض به شریان‌های اقتصادی ما، به معنای انفجار کلیدی در کل منطقه خواهد بود. نباید اجازه داد دیپلماسی لبخند یا تفاهمات آسیب‌پذیر، ما را به سوی یک تنش‌زدایی کاذب و بی‌مایه سوق دهد. حفظ اهرم‌های ضربتی در تنگه هرمز، باب‌المندب و قابلیت هدف قرار دادن زیرساخت‌های کشورک‌های حاشیه خلیج فارس، خط قرمز دفاعی ماست. هرگونه پیمان مضحک منطقه‌ای که منجر به محدود شدن بانک اهداف ما شود، در واقع خودکشی راهبردی در برابر تجاوزهای احتمالی دشمن خواهد بود؛ چرا که قدرت، تنها با داشتن گزینه‌های بی‌محذوریت و بی‌محدودیت، معنا می‌یابد.

نشست شنزن، ترامپ را بی‌آبرو ترکرد
تودهنی ایران، روسیه و چین به ترامپ

نشست سه‌جانبه رؤسای جمهور روسیه، چین و آمریکا، بدون دستاورد مشخصی در شهر شنزن چین پایان یافت. آمریکایی‌ها بسیار تلاش داشتند تا در قالب این نشست، هژمونی رو به زوال خود را بازآفرینی کنند اما اخبار و پیامدهای نشست سه‌جانبه شنزن، بیانگر تسریع افول هژمونی آمریکا است.

پیش از برگزاری نشست سه رئیس جمهور، آنچه در رسانه‌های جهانی انعکاس داشت التماس‌های دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در نشست چندجانبه اَپک، خطاب به رئیس جمهور چین برای کمک به رفع انسداد تنگه هرمز بود. این امر نشان داد که مسدود بودن مهم‌ترین آبراه جهانی یعنی تنگه هرمز، دمار از روزگار ترامپ درآورده است. روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشت دیدار ترامپ، شی جین‌پینگ، پوتین، رؤسای آمریکا، چین و روسیه، می‌توانست رویدادی تاریخی و نقطه عطفی در مناسبات بین‌المللی باشد، اما این دیدار به تغییرات بنیادین در معادلات جهانی منجر نشد. به نوشته این روزنامه، هرسه رهبر تلاش دارند خود را در جایگاه تعیین‌کنندگان مسیر نظم جهانی معرفی کنند و این امر باعث شد نشست شنزن به توافقی سرنوشت‌ساز درباره مهم‌ترین چالش‌های بین‌المللی منجر نشود. نیویورک تایمز همچنین تاکید کرد که اختلافات اساسی میان سه کشور همچنان پابرجاست و این دیدار بیش از آنکه دستاوردهای عملی به همراه داشته باشد، صرفا اهمیت سیاسی و نمادین داشت.

■ **نشستی بدون دستاورد ملموس**

رسانه‌های آمریکایی در گزارشی از نخستین نشست سه‌جانبه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، با شی جین‌پینگ و ولادیمیر پوتین در شنزن چین نوشتند که این دیدار با وجود نمایش صمیمیت و اظهارات امیدوارکننده درباره صلح، به دستاورد ملموسی در مهم‌ترین پرونده‌های بین‌المللی منجر نشد.

به نوشته منابع آمریکایی، ترامپ در نشست ۸۰ دقیقه‌ای سه رهبر درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای سخن گفت، اما بدون ارائه طرح مشخص یا ترسیم مسیر عملی برای خلع سلاح، صرفا بر ادامه گفت‌وگوها تاکید کرد. در بیانیه مشترک نیز طرف‌ها تنها بر ادامه رایزنی برای کاهش خطرات هسته‌ای توافق کردند و درباره کنترل تسلیحات، هوش مصنوعی و رقابت فناوری آمریکا و چین، تصمیم مشخصی اعلام نشد.

روزنامه نیویورک تایمز در همین راستا نوشت: دستاورد اصلی ترامپ از این نشست، فرصتی برای نمایش روابط دوستانه با شی و پوتین و ثبت تصاویر دیپلماتیک بود در حالی که هیچ پیشرفت تازه‌ای در مذاکرات پایان جنگ اوکراین اعلام نشد. پوتین نیز پس از دیدار تاکید کرد که قصد مذاکره با اوکراین را ندارد.

این روزنامه همچنین خاطرنشان کرد که میزبانی تشریفاتی چین و استقبال گرم از ترامپ، به او امکان داد از بهبود روابط شخصی با شی، رئیس جمهور چین، سخن بگوید؛ در حالی که رئیس جمهور چین بر ضرورت اقدامات عملی برای اجرای توافق‌های دو طرف تاکید کرد. به نوشته نیویورک تایمز، ترامپ در این سفر بار دیگر پوتین را دوست خود خواند و با بازگرداندن او به صحنه دیپلماسی قدرت‌های بزرگ، فرصتی برای کاهش انزوای بین‌المللی رهبر روسیه فراهم کرد؛ بی‌آنکه نتیجه‌ای ملموس در مسیر پایان جنگ اوکراین به دست آید.

■ **ائتلاف ضداروپایی!**

اما نشست سه‌جانبه رؤسای جمهور چین، روسیه و آمریکا از چند منظر دیگر نیز قابل تامل بود. در بیانیه پایانی و همچنین اظهارات پوتین، دیوان کیفری بین‌المللی مستقر در لاهه به فراتر رفتن از حدود اختیارات خود متهم شد. اشتراک سه قدرت علیه دیوان، چند هدف داشت: دیوان نماد یک نهاد هنجاری است. از آنجا که اروپا در پی معرفی خود به عنوان قدرت هنجاری و قانون‌مدار است و در دیوان نفوذ دارد، ضربه به آن، ضربه به جایگاه اروپا و حذف آن از معادلات عظیم جهانی است. در میان سه کشور حداقل چین از نهادهای بین‌المللی حمایت می‌کند اما محدود بودن دیوان به نسبت سازمان‌های فراگیر و همچنین ضرورت حذف اروپا از صحنه و نشان دادن قدرت بالای سه ابرقدرت، در این مسیر با آمریکا و اروپا همگام شده است. سه ابرقدرت، مشکلات خود را از طریق پرونده‌های مشترک رقیق‌سازی می‌کنند. تمرکز بر ضربه به اروپا یکی از این منافع مشترک است. دیوان اتهاماتی به پوتین وارد کرده و خواهان بازداشت وی است که آمریکا پذیرفت دیوان اختیاری در این خصوص ندارد و از موضع روسیه حمایت کرد. همچنین این حمایت غیرمستقیم منافعی برای نتانیاهو که به خاطر غزه متهم است، خواهد داشت.

■ **مسکو و پکن، واشنگتن را دور زدند!**

موضوع ایران در بیانیه پایانی جایی نداشت که نشان می‌دهد آمریکا نتوانسته با چین و روسیه به توافقی مشترک و قابل اعتنا در این زمینه برسد؛ چه اینکه پکن و مسکو مقارن با جلسه، بیانیه‌ای مشترک با ایران در دفاع از ضرورت تعویق بازرسی از تاسیسات مورد حمله قرار گرفته هسته‌ای صادر و آن را منوط به پایان تهدیدات اعلام کردند.

■ **بیانیه مشترک ایران، روسیه و چین**

ایران، روسیه و چین، در بیانیه‌ای مشترک، اعلام کردند تا حملات نظامی متوقف نشود امکان بازدید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تاسیسات هسته‌ای ایران ممکن نیست. در این بیانیه که هیات نمایندگی روسیه روز ۲۷ آبان آن را به نمایندگی از سه کشور در نشست شورای حکام آژانس در وین قرائت کرد، آمده است که اصرار بدون قیدوشرط براجرای عادی تعهدات پادمانی بدون در نظرگرفتن موانع عینی ناشی از حملات نظامی و تهدید مستمر به استفاده از زور، کمکی به از سرگیری کامل فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس در ایران نخواهد کرد. سه کشور افزوده‌اند: از سرگیری این فعالیت‌ها تنها در صورتی امکان‌پذیر است که خصومت‌ها به طور کامل



پایان یابد، تمامی تهدیدهای مربوط به حملات مجدد برطرف شود و تضمین‌های قانع‌کننده‌ای ارائه شود که حملات یا تهدیدهای مشابه تکرار نخواهند شد.

فعالیت‌های نظارتی آژانس در ایران پس از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در تابستان پارسال متوقف شد. آژانس به دلایل امنیتی بازرسان خود را از ایران خارج و جمهوری اسلامی نیز در پی آن، قانونی برای تعلیق همکاری با این نهاد تصویب کرد.

■ **چین از قدرت اتمی خود صرفنظر نمی‌کند**

اما چرا دیدار ترامپ، شی و پوتین به توافق هسته‌ای با چین منجر نشد؟ شورای روابط خارجی ایالات متحده گزارش داد، پکن معتقد است مذاکرات کنترل تسلیحات در عمل ابزاری برای حفظ برتری قدرت‌های هسته‌ای بزرگ و محدود کردن کشورهای ضعیف‌تر است. چین همچنین نگران است که شفاف‌سازی درباره تعداد و محل استقرار کلاهک‌های هسته‌ای، آسیب‌پذیری زرادخانه‌اش را در برابر حمله نخست افزایش دهد.

از سوی دیگر، تسلیحات هسته‌ای برای پکن فقط ابزار بازدارندگی نیستند، بلکه بخشی از جایگاه این کشور به عنوان یک قدرت جهانی محسوب می‌شوند. عامل مهم دیگر، رقابت بر سر تایوان است. چین به دنبال توان هسته‌ای است که بتواند آمریکا را از مداخله نظامی در یک درگیری احتمالی بر سر تایوان بازدارد. از همین‌رو، پکن حاضر نیست محدودیت‌هایی را بپذیرد که قدرت بازدارندگی آن در برابر واشنگتن را تضعیف کند. توقف مذاکرات نظامی و هسته‌ای دو کشور در سال ۲۰۲۴، پس از فروش تسلیحات آمریکا به تایوان، نمونه‌ای از پیوند مستقیم این موضوع با اختلافات راهبردی دو طرف است.

نویسندگان گزارش شورای روابط خارجی ایالات متحده معتقدند: واشنگتن به‌جای تمرکز بر کاهش تعداد کلاهک‌های هسته‌ای چین یا وادار کردن پکن به شفافیت بیشتر، باید به دنبال توافق‌های محدود اما عملی باشد؛ از جمله اطلاع‌رسانی قبلی درباره آزمایش موشک‌های بالستیک و استقرار سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی. چنین توافق‌هایی می‌تواند احتمال سوءمحاسبه و تشدید ناخواسته تنش‌ها را کاهش دهد. در مجموع، هدف واقع‌بینانه در شرایط فعلی نه خلع سلاح هسته‌ای چین، بلکه ایجاد سازوکارهای ارتباطی و اعتمادسازی برای جلوگیری از درگیری هسته‌ای است.

انصارالله متجاوزان را تهدید کرد
مراکز استراتژیک سعودی در تیررس یمن

ارتش یمن روز جمعه مرکز مالی «ملک عبدالله» در شهر ریاض و نیروگاه برق «الشقیق» عربستان را اهداف مشروع خود برای عملیات اعلام کرد.

شبکه المیادین گزارش داد نیروهای مسلح یمن در پی حمله جنگنده‌های سعودی به نیروگاه‌های برق شهرهای صعده و المخا در یمن اعلام کرد: نیروگاه برق الشقیق در پاسخ به هدف قرارگرفتن نیروگاه‌های برق صعده و المخا، هدف مشروع نیروهای ما خواهد بود.

نیروهای مسلح یمن افزود: به کارگران و کارکنان نیروگاه الشقیق هشدار می‌دهیم که فورا آنجا را ترک کنند و از شهروندان می‌خواهیم که از این تاسیسات فاصله بگیرند.

روز جمعه ارتش یمن در هشدار به عربستان سعودی اعلام کرد که اگر این کشور به بندرالحدیده یمن حمله کند، نیروهای مسلح یمن نیز بندر جده و تمام بنادر دیگر عربستان در سواحل دریای سرخ را در کانون حملات خود قرار خواهند داد.

نیروهای مسلح یمن همچنین روز جمعه اعلام کرد: مرکز مالی ملک عبدالله در ریاض، هدف نیروهای ما خواهد بود. مرکز مالی ملک عبدالله که اغلب به اختصار «مرکز مالی» نامیده می‌شود، یک پروژه توسعه‌ای بزرگ در شهر ریاض است. این مجموعه یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های در حال اجرای شهر و در خاورمیانه است و به دنبال آن است که ریاض را در جایگاهی قرار دهد که به قطب اقتصادی منطقه تبدیل شود. این منطقه با وسعتی بالغ بر ۱.۶ میلیون متر مربع در شمال ریاض واقع شده و طراحی آن به گونه‌ای است که پذیرای شمار زیادی از متخصصان بسیار ماهر در حوزه مالی و زمینه‌های وابسته باشد.

این منطقه میزبان دفتر مرکزی سازمان بازار سرمایه، بورس اوراق بهادار، بانک‌ها و موسسات مالی گوناگون خواهد بود. همچنین دفاتر ارائه‌دهندگان خدمات حرفه‌ای از جمله حسابداران، کارشناسان حقوقی، وکلا، تحلیلگران مالی، مشاوران، موسسات رتبه‌بندی اعتباری و شرکت‌های خدمات فناوری در آن مستقر خواهند شد.

وزیر امور خارجه:
تقویت روابط با همسایگان ضرورتی راهبردی است



سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی اینستاگرام، نوشت: در سفر اخیر به پاکستان، ضمن شرکت در سی امین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، فرصت دیدار و گفت‌وگو با وزیر امور خارجه، نخست‌وزیر و فرمانده ارتش این کشور فراهم شد.

عراقچی تاکید کرد: در این دیدارها، طیفی از موضوعات مهم در روابط دوجانبه، راه‌های گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و ضرورت تقویت هماهنگی‌ها برای صیانت از صلح و ثبات منطقه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

وی نوشت: نقش‌آفرینی سازمان همکاری اقتصادی (اکو) به عنوان بستری برای هم‌افزایی ظرفیت‌های کشورهای منطقه، توسعه پیوندهای اقتصادی و تجاری و تقویت همکاری‌های چندجانبه، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: باور داریم که چندجانبه‌گرایی، گفت‌وگو و اتکا به ظرفیت‌های درون منطقه‌ای، مسیر موثری برای تحقق منافع مشترک، تقویت ثبات و ساختن آینده‌ای مبتنی بر توسعه و رفاه ملت‌های منطقه است.

عراقچی در پایان تاکید کرد: تقویت روابط با همسایگان، نه‌فقط یک اولویت دیپلماتیک، بلکه ضرورتی راهبردی برای ساختن منطقه‌ای امن‌تر، باثبات‌تر و برخوردار از فرصت‌های بیشتر برای توسعه و پیشرفت است.

هشدار بقایی درباره تکرار سناریوی ۲۰۰۳ در پرونده ایران
نمایش کالین پاول تکرار شد

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس در واکنش به ادعای جدید مقام‌های آمریکایی مبنی بر وجود نشانه‌هایی از توسعه سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک توسط ایران، این ادعاها را تکرار الگوی روایت‌سازی دروغین واشنگتن درباره برنامه هسته‌ای ایران دانست.

بقایی نوشت: مقام‌های آمریکایی پس از پردازش دروغ بزرگ «تهدید هسته‌ای ایران»، اکنون مدعی شده‌اند نشانه‌هایی وجود دارد که ایران در حال توسعه سلاح‌های بیولوژیک یا شیمیایی است.

وی افزود: اتهام‌ها مدام تغییر می‌کنند، اما الگوی روایی همه آنها یکسان است؛ گویی انتظار دارند جهان به فراموشی جمعی دچار شده باشد؛ چیزی شبیه وضعیت «دوری»، ماهی فراموش‌کار انیمیشن «در جست‌وجوی نمو».

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به نمایش کالین پاول، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۳، پرسید: آیا مقام‌های آمریکایی انتظار دارند افکار عمومی نمایش بدنام کالین پاول در شورای امنیت را فراموش کرده باشد؟ همان ویال کوچکی که او در دست گرفت و به عنوان نمونه‌ای بصری از تهدید ادعایی تسلیحات کشتار جمعی عراق به نمایش گذاشت؛ ویالی که بعدها به نمادی ماندگار از یکی از مهلک‌ترین فریب‌های سیاسی در تاریخ معاصر تبدیل شد.

بقایی ادامه داد: ادعاهای دروغین درباره وجود تسلیحات کشتار جمعی در عراق به ابزاری برای تحریک افکار عمومی، تزریق ترس و زمینه‌سازی برای حمله نظامی به این کشور تبدیل شد؛ حمله‌ای که پیامدهای آن نه تنها برای مردم عراق، بلکه برای کل منطقه و حتی خود آمریکا فاجعه‌بار بود.

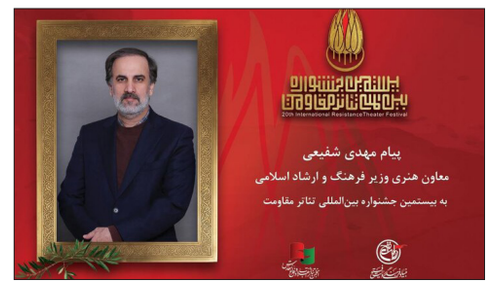
وی خاطرنشان کرد: اکنون بار دیگر در همان نقطه ایستاده‌ایم؛ تکرار ادعاهای شوم و روایت‌های دروغین که همان الگوی قدیمی را تداعی می‌کند. سخنگوی وزارت امور خارجه در پایان پرسید: آیا جهان از درس‌های فاجعه بار سال ۲۰۰۳ چیزی آموخته است یا قرار است بار دیگر به راحتی فریب بخورد؟



سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

سوگ میناب، شناسنامه جنایت تجاوزکاران به ایران و فراموش‌نشدنی است

تئاتر مقاومت صرفا بازنمایی وقایع تاریخی نیست



مهدی شفیعی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار پیامی جشنواره تئاتر مقاومت را مجالی توصیف کرد که در آن بخشی از تجربه تاریخی مردم ایران با زبان هنر بازخوانی و به نسل فردا منتقل خواهد شد.
در متن این پیام آمده است:
«به نام خدا
هنر بخش مهمی از حافظه یک ملت است و تئاتر از آنجا که انسان را بی‌واسطه در کنار انسان قرار می‌دهد، یکی از صمیمی‌ترین و اثرگذارترین زبان‌های روایت تاریخ، رنج، امید و مقاومت ملت‌هاست. جشنواره تئاتر مقاومت نه فقط یک رویداد هنری، بلکه مجالی است برای آنکه بخشی از تجربه تاریخی و زیسته مردم ایران با زبان هنر بازخوانی و به نسل امروز و فردا منتقل شود. مقاومت تنها یک واژه برای توصیف روزهای جنگ نیست؛ مقاومت، فرهنگ ایستادگی در برابر تباهی، بی‌عدالتی و تحقیر است؛ فرهنگی که در لحظه‌های دشوار امید را زنده نگه می‌دارد و انسان را به آینده پیوند می‌دهد.
ما در سال‌های اخیر، در کنار تجربه‌های تاریخی دفاع مقدس، شاهد روزهای دشوار و جنگ‌ها و تهدیدهای تازه‌ای نیز بوده‌ایم؛ روزهایی که بار دیگر نشان داد مردم ایران چگونه می‌توانند در برابر دشواری‌ها بایستند، از هویت و سرزمین خود دفاع کنند و به زندگی ادامه دهند. در چنین شرایطی، هنر بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. هنر می‌تواند روایت انسانی مقاومت را خلق کند؛ روایت مادران، پدران، جوانان، هنرمندان، سربازان، امدادگران، کادر درمان و همه مردمی که در روزهای سخت، سهمی در حفظ امید و زندگی داشته‌اند. تئاتر می‌تواند این روایت‌ها را از سطح خبر و گزارش فراتر ببرد و به تجربه‌ای انسانی و ماندگار تبدیل کند.
از همین روست که تئاتر مقاومت صرفا بازنمایی وقایع تاریخی نیست؛ این جشنواره بستری برای کشف زبان‌های تازه، نگاه‌های نو و روایت‌هایی خلاقانه از مفهوم مقاومت است. روایت‌هایی که مخاطب امروز، به‌ویژه نسل جوان بتواند با آن ارتباط برقرار کند. امروز بیش از هر زمان دیگری به هنری نیاز داریم که هم حافظه داشته باشد و هم افق؛ هم ریشه‌های تاریخی ما را روایت کند و هم پیوندی برقرار کند میان خاطره و آینده و امید. برگزاری جشنواره تئاتر مقاومت می‌تواند با آن تجربه و گذشته و امروز، میان خاطره و آینده و امید پیوند برقرار کند. آنگاه از یک جشنواره فراتر خواهد رفت و به بخشی از حافظه فرهنگی جامعه تبدیل خواهد شد.
امیدوارم این جشنواره صحنه‌ای باشد برای دیدن استعدادهای تازه، شنیدن صداهای متنوع و خلق آثاری که نه فقط در روزهای برگزاری جشنواره، بلکه در ذهن و دل مخاطبان باقی بمانند؛ همانند تجربه شنیدن صدای چاووشی در روزهای سخت جنگ ۴۰ روزه، گاهی یک ترانه و گاهی لحظاتی از یک تئاتر می‌تواند به یک ملت یادآوری کند که هنوز ایستاده است. تئاتر مقاومت روایت همین ایستادن است؛ اما نه فقط ایستادن در برابر متجاوز، بلکه ایستادن در برابر فراموشی، در برابر یأس، در برابر خاموش شدن چراغ امید. ما به هنر نیاز داریم تا آنچه بر ما گذشته است فراموش نشود و آنچه هنوز می‌توانیم بسازیم، دیده شود. برگزاری جشنواره تئاتر مقاومت را گرامی می‌دارم و برای همه هنرمندان این سرزمین سربلندی و تندرستی آرزو دارم.»

فرهنگ و هنر می‌تواند پیوندهای عمیقی میان ایران و پاکستان ایجاد کند



محمدمهدی دادمان، رئیس حوزه هنری، در کنفرانس بین‌المللی و جشنواره هنری اقبال که با رویکرد «هنر، اندیشه و همگرایی ایران و پاکستان» و با حضور غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه هنری برگزار شد، با اشاره به ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی دو کشور اظهار کرد: اندیشه و هنر می‌توانند فراتر از مرزهای جغرافیایی عمل کنند و پیوندهای تازه‌ای میان ملت‌ها به وجود آورند.
وی در ابتدای سخنان خود با گرامیداشت یاد رهبر شهید انقلاب اسلامی و شهدای دفاع از استقلال و آرمان‌های ایران اسلامی، از حضور مهمانان، مقام‌های پاکستانی، هنرمندان، اندیشمندان، استادان و دوستداران علامه اقبال در این مراسم قدردانی کرد.
دادمان با اشاره به جایگاه علامه اقبال و پیوندهای عمیق فرهنگی ایران و پاکستان افزود: مردم ایران و پاکستان از نظر فرهنگی و تاریخی پیوندهای عمیقی با یکدیگر دارند و این اشتراکات می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری افق‌های تازه‌ای در روابط دو ملت باشد.
رئیس حوزه هنری با اشاره به در پیش بودن یکصد و پنجاهمین سالروز ولادت علامه اقبال در سال آینده تصریح کرد: امیدواریم این گردهمایی و جشنواره هنری، زمینه‌ساز اقدامات مهم‌تر و جدی‌تری در سال آینده برای شناخت بهتر اندیشه‌های اقبال و تقویت پیوندهای فرهنگی دو کشور باشد.
وی ادامه داد: اگر از مسیر فرهنگ، اندیشه و هنر برای تعامل و هم‌افزایی میان دو ملت تلاش کنیم، قطعا می‌توانیم افق‌های جدیدی در روابط ایران و پاکستان بگشاییم و مسیرهای تازه‌ای را برای همکاری آغاز کنیم.
دادمان با تاکید بر ظرفیت شکل‌گیری پروژه‌های مشترک فرهنگی گفت: می‌توان به اجرای پروژه‌های بزرگ فرهنگی و تولید محصولات مشترک برای منطقه و حتی جهان فکر کرد؛ چراکه ایران و پاکستان حرف‌های تازه‌ای برای عرضه در عرصه فرهنگ و تمدن دارند.
وی خاطرنشان کرد: همچنین می‌توان با تکیه بر پیوندهای فرهنگی دو ملت، جریان‌ها و حرکت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی مشترکی را آغاز کرد که به شکل‌گیری جریان‌های عمیق و اثرگذار فرهنگی منجر شود.
رئیس حوزه هنری در پایان ابراز امیدواری کرد: این نشست سرآغازی برای تدوین برنامه‌ای بلندمدت با هدف شناخت و شناساندن بهتر علامه اقبال و گسترش تبادلات فرهنگی میان ایران، پاکستان و دیگر ملت‌های منطقه باشد.

جست‌وجویی در امتداد بسیج؛ یک جریان زنده که از بطن مردم جوشید

هنر مردانه ایستادن



مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: تاریخ، روایتگر لحظات خاص است. لحظاتی که ساختارهای رسمی در برابر بحران‌ها کم می‌آورند و نیرویی نو از دل کوچه و بازار متولد می‌شود. آذر سال ۱۳۵۸، فصلی تازه در کتاب سرنوشت ایران گشوده شد. آن روز، فرمان تشکیل بسیج، نه یک دستور اداری، بلکه فراخوانی برای تمام کسانی بود که قلب‌شان برای این خاک می‌تپید. بسیج در آغاز، نه برای بقا، بلکه برای احیای عزت، حفظ اقتدار و پاسداری از غرور ملی شکل گرفت. نگاهی به مسیر طی شده، نشان می‌دهد این جریان، فراتر از یک سازمان، روشی برای زندگی و الگویی برای خدمت بوده است. اکنون در هفته بسیج، باید بدون تعارف پرسید: این نهاد برخاسته از مردم، در چه مرحله‌ای است و چگونه می‌تواند با جان فدا بودن، پیوند خود را با نسل‌های تازه، عمیق‌تر و زنده‌تر از گذشته حفظ کند؟

وقتی به روزهای پرالتهاب پاییز ۱۳۵۸ بازمی‌گردیم، هیچ تصویری از یک ساختار اداری خشک نمی‌بینیم. فضا سرشار از دلهره بود. مرزها ناآرام و کشور درگیر تغییرات بنیادین. در چنین اتمسفری، ایده ارتش ۲۰ میلیونی، یک آرزوی بلندپروازانه به نظر می‌رسید. این ایده می‌گفت امنیت، کالایی نیست که فقط در انحصار نیروهای نظامی باشد؛ امنیت، امری است که ریشه در تار و پود طبقه فرودست و متوسط دارد. مردمی که حس می‌کردند این خاک، خانه بی‌پناه آنهاست و باید برای حفظ آن خانه، آستین بالا بزنند.
این جریان، یک اتفاق کاملا خودجوش بود. از همان جنس پدیده‌هایی که جامعه‌شناسان از تحلیل اولیه آن ناتوان می‌مانند و فقط پس از وقوع، آن را ثبت می‌کنند. نه کارت عضویتی در کار بود، نه ردیف بودجه‌ای. پیوند میان آدم‌ها فقط یک چیز بود: نیاز حیاتی به ایستادن. این نقطه عزیمت، مهم‌ترین خصلت پدیده‌ای بود که قرار شد ستون فقرات دفاع از هویت ملی و انقلابی باشد.

سنگر آزمایشگاه عزت

شروع جنگ تحمیلی، نقطه عطف تعمید این اراده بود. جنگ‌های کلاسیک قرن بیستم، عرصه قدرت تجهیزات و مانورهای ستادی بودند. در طرف مقابل، ارتشی با ادوات مدرن ایستاده بود و در این سوی مرز، جوانانی که تا دیروز پشت دخل مغازه پدر می‌نشستند یا در دانشگاه کتاب می‌خواندند. در آن سال‌ها، آنچه بسیجی را به میدان می‌کشید، فقط دفاع از جان نبود. آنچه بسیجی را به جلو می‌راند، حفظ غرور ملی بود. هرکس که به میدان می‌آمد، می‌دانست که در حال دفاع از ناموس، خاک و شرافت یک ملت است.
در جبهه‌ها، بسیج تبلور شکستن قواعد بود. فرماندهان جوانی که ژنرال‌های دنیا را شگفت‌زده می‌کردند، محصول همین نگاه مردمی بودند. اخلاص، واژه‌ای تزیینی برای مصاحبه‌ها نبود؛ واحد عمل بود. هرکس که بیشتر از جانش می‌گذشت، جلوتر می‌ایستاد. عملکرد بسیج در دهه ۶۰، بازتولید حماسی از زیست جمعی ایرانیان بود؛ تجربه‌ای کمیاب که طی آن منافع فردی در برابر منافع ملی ذبح می‌شد.

بسیجی یعنی حضور در میدان

پرسش اساسی این است: اصلا بسیجی به چه کسی گفته می‌شود؟ آیا بسیجی یعنی کسی که برگه ثبت نام فلان پایگاه را پر کرده و از امتیازات ساختاری بهره‌مند است؟ پاسخ قطعا منفی است. بسیجی بودن، یک سبک زیستن است. یک نسبت با جامعه. بسیجی کسی است که در موقعیت بی‌تفاوتی، واکنش نشان می‌دهد. کسی که درد دیگری را درد خود می‌داند. اگر پزشکی در دورافتاده‌ترین روستای مرزی، بی‌هیاهوی دوربین‌ها به مداوای کودکان می‌پردازد، او در اصیل‌ترین معنا، یک بسیجی است. اگر معلمی در سرمای کوهستان با پای پیاده به مدرسه می‌رود تا چراغ دانایی خاموش نشود، او کنشگر همین جریان است. تقلیل این مفهوم فراگیر و انسانی به یک جناح‌بندی سیاسی، بزرگ‌ترین جفا در حق هویتی است که خشت اولیه‌اش با ایثار بی‌چشمداشت نهاده شد.

تکثر در خدمت

یکی از خطاهای تحلیلی، محدود دیدن فعالیت‌های بسیج است. بسیج امروز، در یک شاخه خلاصه نمی‌شود. بسیج سازندگی با حضور در مناطق محروم و ساخت خانه برای نیازمندان، نبض زندگی را در دورافتاده‌ترین نقاط به تپش درمی‌آورد. بسیج اساتید و بسیج دانشجویی، در سنگر علم و فناوری مشغول حل گره‌های کشور هستند. بسیج پزشکی با اعزام تیم‌های درمان به مناطق دوردست، عدالت سلامت را گسترش می‌دهد.
به یاد بیاوریم روزهای سخت همه‌گیری را؛ همان روزها که گروه‌های جهادی و بسیجی، در میدان عمل، در کنار کادر درمان ایستادند و ریشه‌کنی فلج اطفال در یک روز ملی که در تاریخ بهداشت جهانی ثبت شد، تنها بخشی از این کارنامه است. با این حال، پرسش بنیادین این است: آیا این نهاد توانسته با سرعت تحولات نسلی و تغییر مطالبات طبقات مختلف جامعه، خود را به روز کند؟ این چالشی است که باید با هوشمندی پاسخ داده شود.

آفت فاصله؛ درک واقعیت

نهضت‌ها زنده، پویا و مبتنی بر هیجان خالص هستند، اما نهادها ناگزیر از نظم و دستورالعمل‌اند. بسیج پس از جنگ با این چالش روبه‌رو شد؛ چگونه می‌توان روحیه‌ای جهادی و بی‌قاعده را در قالب جداول سازمانی حبس کرد، بدون آنکه روح آن بمیرد؟
ما امروز با تصویری در رسانه‌ها و افکار عمومی روبه‌رو هستیم که گاه دچار سوءتفاهم شده است. این سوءتفاهم‌ها ریشه در نوعی فاصله دارد؛ فاصله‌ای که باید با بازگشت به مردم پرشود. نباید اجازه داد که فرم‌گرایی و گزارش‌کارهای اداری، جای آن روح بی‌آلایش را بگیرد. بسیجی، برآمده از همین مردم است؛ اگر از مردم فاصله بگیرد، تنها پوسته‌ای از آن باقی می‌ماند. رمز ماندگاری، در همراهی صادقانه با تمام اقشار است. نهاد بسیج باید ملجا و پناهگاه همه باشد، فارغ از هر نگاهی که در سطح جامعه وجود دارد.

جان‌فدا، یک الگوی یگانه است

در دل همین روزگار، نامی قد کشید که تمام این نظریه‌ها را تجسم بخشید: حاج قاسم. او با تعریف عبارت جان‌فدا، نشان داد که یک بسیجی واقعی چگونه با جامعه خود مواجه می‌شود. حاج قاسم به ما یاد داد که خط‌کشی‌های رایج ظاهری، چادری و کم‌حجاب یا چپ و راست، مانع خدمت نیست. او در بحبوحه سیل خوزستان، دست پیرمرد عرب را می‌بوسید و تن خود را سپر بلای مردمی می‌کرد که شاید با او هم‌عقیده نبودند.
جان‌فدا بودن، یعنی پایان منفعت‌طلبی و تبدیل شدن به سپری برای عموم مردم، نه فقط طبقه‌ای خاص. این دقیقا همان جوهر گمشده‌ای است که بسیج امروز بیش از هر زمان دیگری برای بازسازی سرمایه اجتماعی خود به آن محتاج است. جان‌فدا، منادی عشق بدون پیش‌شرط به انسان‌هاست. عشقی که در آن فداکاری، منت نمی‌گذارد و منجی، از بالا به مردم نگاه نمی‌کند.

خاکریزهای تازه

خاکریزهای امروز دیگر از جنس گونی‌های شنی نیستند. جنگ امروز، جنگ روایت‌هاست. نبرد در لایه‌های پیچیده اقتصاد، فناوری، بحران‌های محیط‌زیستی و شکاف‌های عمیق اجتماعی. بسیجی امروز باید معمار سامانه‌های هوش مصنوعی باشد، کارآفرینی کند تا چرخه معیشت خانواده‌ها بچرخد و شجاعانه در برابر فساد و ناکارآمدی بایستد.
بسیج آینده یا یک نهاد فراگیر، گره‌گشا و مدنی با ریشه‌های عمیق ایمانی خواهد بود که جامعه به عنوان پناهگاه به آن می‌نگرد، یا در صورت توقف در فرم‌ها، از مقتضیات زمانه عقب خواهد ماند. هفته بسیج نباید صرفا مجالی برای سخنرانی‌های اتوکشیده باشد. این هفته، فرصتی است برای یک بازخوانی انتقادی، شرافتمندانه و جسورانه.
باید از خود پرسید: چقدر توانسته‌ایم آن روح بی‌تکلف، جسور، عاشق و خاک‌آلود سال ۱۳۵۸ را در کالبد پرتناقض امروز زنده نگه داریم؟ فلسفه بسیج، فلسفه دویدن به سوی نقطه‌ای است که دیگران از آن می‌گریزند. این دویدن، باید برای آرامش همه مردم باشد. تا زمانی که این دویدن برای مردم باشد، این داستان تمام نخواهد شد و همچنان جریان دارد. بسیج، یعنی همین که در سخت‌ترین لحظه‌ها، شانه‌ای برای تکیه کردن ملت وجود داشته باشد. این میراث ایستادن است؛ میراثی که باید برای نسل‌های بعد، با عزت و اقتدار حفظ کرد. بسیجی بودن، یعنی زنده بودن برای آرمان بزرگی که نامش ایران است.
این جریان همچنان زنده است. در هر بیمارستان، در هر مدرسه، در هر اردوی جهادی و در هر لحظه‌ای که کسی برای نجات دیگری از خود می‌گذرد، بسیج حضور دارد. بسیج، نه یک سازمان، که نبض همبستگی ملی ماست. نبضی که تا وقتی برای مردم می‌تپد، هیچ چیز نمی‌تواند آن را متوقف کند.
بسیج، یعنی همین که بدانیم تنها نیستیم. یعنی حس کنیم که در هر سختی، عده‌ای هستند که بی‌هیچ چشمداشتی، در کنار ما ایستاده‌اند تا این کشتی بزرگ ملی به ساحل آرامش برسد. امروز بیش از هر زمان دیگر، نیاز داریم به همان نگاه ناب دهه ۶۰ بازگردیم؛ نگاهی که در آن همه، اعضای یک خانواده بزرگ بودند و سقف این خانه، چترامنیتی بود که با ایثار همین مردم برپا شد. هفته بسیج، یادآور همین پیوند عمیق و ناگسستنی است. پیوندی که اگر با روح جان‌فدا تقویت شود، هیچ طوفانی قادر به تکان دادن آن نخواهد بود. این مسیر، هنوز ادامه دارد.

به بهانه انتشار تقریظ رهبر شهید بر رمان «خاک سپاری دوم بانوی مرگ»

قلمی که همچنان همراه دل‌ها و کتاب‌هاست



سه شنبه، بیست و ششم آبان، بیست و دومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت برگزار شد تا بار دیگر عطر کتاب و قلم در فضای فرهنگ بپیچد. در این مراسم، تقریظ رهبر شهید بر رمان «خاک سپاری دوم بانوی مرگ» نوشته نیما اکبرخانی منتشر شد؛ اثری که گوشه‌هایی از مجاهدت‌های ناگفته در رویارویی با ماشین ترور رژیم صهیونیستی را در بستر رمان به تصویر کشید. متن تقریظ رهبر شهید انقلاب اسلامی چنین بود: «بسم الله الرحمن الرحیم. شیرین و هنرمندانه نوشته شده است. در واقع باید گفت آن را گونه تازه از رمان جنگ به شمار آورد. این سبک کار باید تشویق شود. مرداد ۱۴۰۳.» گاهی یک تقریظ، نه فقط یک جمله یا پاراگراف کوتاه در حاشیه یک کتاب، که عصاره یک جهان‌بینی بود. وقتی از تقریظ‌های رهبر شهید سخن می‌گوییم، از یک سنت ساده تقدیرادای حرف نمی‌زنیم؛ از پیوند عمیق رهبر کتابخوان با نبض تپنده ادبیات مقاومت و پایداری می‌گوییم.
تقریظ، در لغت‌نامه رسمی، شاید شکلی از نقد ستایش‌آمیز بود، اما در دایره‌المعارف دلی ما، چیزی فراتر از اینهاست. تقریظ، اجازه‌نامه‌ای بود برای ورود یک اثر به ضمیر ناخودآگاه فرهنگ یک ملت. رهبر شهید با نوشتن تقریظ، گویی به کتاب، شناسنامه افتخار می‌بخشید. این سنت، تنها یک عمل فرهنگی نبود؛ یک جهاد روایتگری بود. ایشان با انتخاب هوشمندانه کتاب‌ها، در واقع نقشه راه گفتمان انقلاب را ترسیم می‌کردند. نویسنده‌ای که تمام جانش را در کلمات ریخته بود تا حقیقت یک زندگی را ثبت کند، حالا با دیدن یک بسم‌الله یا چند جمله کوتاه از رهبرش، احساس می‌کرد که اثرش دیده شده است. این دیده شدن، نه از سر خودشیفتگی، که از جنس همان پیوند عمیقی بود که میان رهبر و متولیان فرهنگ جاری بود. رمان «خاک سپاری دوم بانوی مرگ» نیز نمونه‌ای روشن از همین اثرگذاری بود که با این مهر مکتوب، درخشش دیگری یافت.

مسابقه شوق و امید

در سال‌های گذشته، بازار ادبیات پایداری، بازاری بود که در آن شوق تقریظ، سوخت اصلی موتور تولید بود. بسیاری از نویسنده‌ها، پس از اتمام پروژه سخت نگارش، دغدغه‌شان این نبود که فلان ناشر چه می‌گوید؛ دغدغه این بود که آیا رهبر شهید کتابشان را می‌خوانند؟ کتاب‌ها از راه افزون و پرپیچ و خم، گاه از مسیر دفتر ایشان، گاه از طریق بستگان و گاه از مسیرهای پرواسطه‌تر، خود را به دست رهبری می‌رساندند؛ چرا؟ چون نویسنده می‌دانست وقتی کتابی به دست ایشان می‌رسید، خوانده می‌شد؛ با دقت، با وسواس و با حاشیه‌نویسی‌هایی که گاه به اندازه خود کتاب ارزش داشت. این شوق، جامعه ادبی را به سمت کیفیت بیشتر کشانده بود. نویسنده‌ها می‌دانستند که مخاطب اول کتاب‌شان، کسی است که عمیق‌ترین و دقیق‌ترین نگاه را به تاریخ و ادبیات دارد.

سوگنامه کاغذهای خاکسترشده

اما داستان همیشه این‌قدر شیرین نبود. حالا خبر از تقریظ‌های ناخوانده است. فکر کنید؛ طبق گزارش‌هایی که سال ۱۳۷۸ داده شد، حدود ۳۰ هزار جلد کتاب در کتابخانه شخصی رهبر بود و بر بسیاری از کتاب‌ها تقریظ نوشته شده بود و بعد... انفجار، جنگ، حادثه و کتابخانه خاکستر می‌شود. چه گنجینه‌هایی که در این میان سوختند! چه جمله‌هایی که می‌توانست چراغ راه نویسنده‌های جوان باشد، اما بسیاری از آنها تنها در ذهن کاغذهای سوخته باقی ماند. این حسرت، شبیه به سوختن کتابخانه اسکندریه بود برای ما؛ فقدان کلماتی که اگر باقی می‌ماندند، شاید مسیر درک ما از ادبیات مقاومت به کلی تغییر می‌کرد.



معلم، هنوز پشت در کلاس بود

انتشار تقریظ پس از ۹ ماه از شهادت رهبر شهید، نشان داد که نبض این جریان، همچنان زنده است. اما پرسش بزرگ اینجاست: تا کجا؟ چقدر تقریظ منتشرنشده داریم؟ و چه شیرین است این انتظار که کماکان در وقت خاص و با مصلحت سنجیده شده، تقریظ جدیدی منتشر شود. این انتظار شیرین، خودش بخشی از فرآیند آموزش است. ما یاد گرفتیم که برای خوانده شدن حقیقت، گاهی باید صبور بود. انتشار تقریظ‌های دیده‌نشده از رهبر شهید تا مدت‌ها بعد از شهادت ایشان، گویی به ما می‌آموزد که ادبیات واقعی، تاریخ مصرف ندارد. این نشان می‌دهد کتابی که نوشته شده، اگر روح و جریان داشته باشد، همچنان تازگی خود را حفظ می‌کند و تقریظ آن، بر پیشانی‌اش جا خوش می‌کند.

بازخوانی یک جهان کلامی

هر بار که تقریظی منتشر می‌شود، ما تنها شاهد یک جمله تازه نیستیم؛ بلکه شاهد بازخوانی دوباره‌ایم. کلماتی که شاید در هیاهوی چاپ‌های اول کتاب دیده نشده بودند، حالا با نور تقریظ، دوباره دیده می‌شوند. این تقریظ‌ها، کلمات کتاب را احیا می‌کند. گویی کتاب، دوباره متولد می‌شود. این ویژگی خاص رهبر کتابخوان ما بود؛ ایشان نه تنها کتاب را می‌خواندند، بلکه به آن حیات دوباره می‌بخشیدند. برای ما که مخاطبان این تقریظ‌ها بودیم، این متن‌ها حکم سرمه داشتند؛ چشم ما را به زوایایی از زندگی شهدا و قهرمانان باز می‌کردند که تا پیش از آن نمی‌دیدیم. ایشان در تقریظ‌های‌شان، نه به کتاب که به حقیقت جاری در متن، سلام می‌کردند.

میراث مکتوب یک عصر

ما در حال زیستن در دورانی هستیم که بعدها، تاریخ‌نگاران از آن به عنوان عصر تقریظ‌ها یاد خواهند کرد. دهه‌ها بعد، وقتی مورخان بخواهند بدانند در این قرن چه بر سر اندیشه انقلابی گذشت، به همین کتاب‌ها و تقریظ‌های حاشیه آنها رجوع خواهند کرد. آنجا، نه در کتاب‌های تاریخ رسمی، که در حاشیه همین کتاب‌هاست که می‌توان نبض یک عصر را گرفت. رهبر شهید، با این سنت، یک میراث مکتوب برای نسل‌های بعد به جا گذاشتند؛ میراثی که نشان می‌دهد چگونه یک رهبر، با قلم خود، فرهنگ ایثار را تقدیس کرد.
حالا که ۹ ماه گذشته است و آن کتاب، سرانجام تقریظش را در آغوش کشیده، ما مانده‌ایم و دنیایی از کنجکاوی. کتاب بعدی کدام است؟ کدام اثر که در گوشه‌ای از یک قفسه خاک می‌خورد و حالا با یک تقریظ، قرار است قهرمان دوباره یک ملت شود؟ ما به عنوان اهالی فرهنگ، حالا حالاها چشم‌انتظار این مهر مکتوب خواهیم ماند. این تقریظ‌ها، ضربان قلب کتابخانه ملی ایران است؛ قلبی که در خاطره‌ها می‌تپد و همچنان بر پیکره ادبیات ما، عشق و استقامت می‌نویسد.



محمدصادق افراسیابی، مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای ایران:

تنظیم‌گری سلبی بدون تنظیم‌گری اجتماعی و تشویقی، باعث ازدست دادن اعتماد مردم به رسانه می‌شود

شنبـه/ ۳۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۵

فرهنگ؛ سرمایه‌ای که جنگ و تحریم آن را از بین نمی‌برد

سنگر مستحکم جنگ‌شناختی



برای درک مسئله فرهنگی امروز ایران، باید نخست به گذشته‌ای نگاه کرد که در آن فرهنگ نه حاشیه‌نشین سیاست، که ستون اصلی تداوم این سرزمین بود. از بنیان‌های دینی زرتشت و اداره هخامنشی گرفته تا دربار ساسانیان که با پشتیبانی زمین‌داران و دهقانان آزاد اداره می‌شد و سپس تداوم این میراث در دوره اسلامی از طریق امیرنشین‌های سامانی و سلطان‌نشین‌های آسیای مرکزی تا بازآفرینی آگاهانه هویت شیعی ایرانی در دوره صفویه، همواره یک خط پیوسته از توسعه تمدنی و هویتی قابل ردیابی است. آنچه در این پیوستگی تاریخی اهمیت دارد، نه فقط تداوم نهادهای سیاسی، بلکه توانایی بازتولید فرهنگی در دل تغییر سلسله‌ها و تحولات دینی است. پژوهشگران تاریخ ایران تاکید می‌کنند که آنچه از دوره ایران باستان به ارث رسیده، «پیوستگی و تداوم فرهنگی متمایز و احساس هویت ملی» در نزد جامعه ایران بوده است، نه صرفا یک ساختار حکومتی. این سرمایه تاریخی، امروز نیز پشتوانه‌ای است که هر سیاست فرهنگی اگر بخواهد ریشه‌دار باشد، ناچار است خود را در نسبت با آن تعریف کند.

نسلی که سنت و مدرنیته را همزمان زندگی می‌کند

با این حال، عظمت تاریخی به تنهایی توضیح دهنده وضعیت امروز نیست. گزارش‌های میدانی مراکز پژوهشی کشور، به‌ویژه گزارش «در جست‌وجوی زندگی و آزادی» که در مرکز رصد فرهنگی کشور منتشر شده است، تصویری دقیق‌تر از نسل جوان ارائه می‌دهد. بر اساس این گزارش، جوان ایرانی امروز «الزاما سنت‌شکن نیست» و گاهی با سنت، همدلی نشان می‌دهد؛ ویژگی کلیدی او آن است که نگرش‌هایش «آمیزه‌ای از سنت و مدرنیسم» است. این ترکیب در حوزه‌های مختلف زندگی قابل مشاهده است؛ در حوزه خانواده، بسیاری از جوانان از ارزش‌های پدرسالارانه در روابط خانوادگی فاصله گرفته‌اند، اما همزمان برای نهاد خانواده و ازدواج بها قائل‌اند و حتی مادری را یک فضیلت می‌دانند. «کار» برای جوان ایرانی یک ارزش تلقی می‌شود و او در مصرف، برخلاف تصور رایج، به کیفیت و دوام کالا بیش از خودنمایی اهمیت می‌دهد. در حوزه دینداری، پایبندی به رفتارهای دینی واجب و مناسک جمعی در میان جوانان چندان زیاد نمایان نیست، اما باورهای دینی در آنها همچنان پذیرفته است؛ آنچه متزلزل شده، اعتماد به عناصر رسمی و سنتی فرهنگی است. این تصویر نشان می‌دهد که مسئله اصلی، «گسست» از ارزش‌ها نیست، بلکه «بازآرایی» آنها در قالبی جدید است. سیاست فرهنگی موثر، پیش از هر چیز باید این واقعیت ترکیبی را به رسمیت بشناسد و به جای تقابل با آن، در صدد گفت‌وگو و همراهی با آن برآید.

اثرگذاری کجا متوقف می‌شود؟

نظام فرهنگی ایران از ظرفیت نهادی گسترده‌ای برخوردار است؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و شبکه رایزنان فرهنگی در ده‌ها کشور جهان. با این حال، شکاف میان این ظرفیت و اثرگذاری واقعی، به یکی از پرسش‌های جدی سیاست‌گذاری فرهنگی تبدیل شده است. این شکاف را می‌توان در سه سطح مشاهده کرد. **نخست، سطح گفتمانی:** ناتوانی در تولید یک روایت منسجم و جذاب از «ایران فرهنگی» که هم برای مخاطب داخلی معنا داشته باشد و هم برای مخاطب بیرونی. **دوم، سطح نهادی:** گزارش‌های رسمی خود نهادهای فرهنگی از جمله سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به صراحت از «فقدان درک و روایت درست از واقعیت‌های میدانی کشورهای هدف» و «ضعف در معرفی جامع و متوازن ظرفیت‌های داخلی» به عنوان چالش‌های جدی یاد می‌کنند. **سوم، سطح رویکرد:** تمرکز سیاست‌های فرهنگی بر «محدودیت و ممنوعیت» به جای توجه به عوامل واقعی شکل‌دهنده ذائقه، که به گفته پژوهشگران، «ناکارآمد» بوده و به «شکاف میان نسل‌ها و تضعیف سرمایه فرهنگی» منجر شده است. حتی در بالاترین سطوح اجرایی کشور نیز این نقد پذیرفته شده است که «مسائل فرهنگی با بخشنامه، دستورالعمل و نگاه قیم‌مآبانه حل نمی‌شود» و «رویکردهای دستوری، جوانان را از ارزش‌ها دور می‌کند.»

میدانی که فرهنگ را از حاشیه به متن آورد

آنچه در ماه‌های اخیر رخ داد، معادلات فرهنگی را بیش از هر عامل دیگری دگرگون کرد. جنگ تحمیلی که از اسفند ۱۴۰۴ با حملات هوایی گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران آغاز شد، نه تنها یک رویارویی نظامی، بلکه به تعبیر پژوهشگران، «یک نقطه عطف در قربانی شدن جمعی و روانی جامعه ایران» بود. اما آنچه بیش از خود جنگ اهمیت دارد، واکنش فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران به این بحران است؛ واکنشی که بسیاری از محاسبات از پیش طراحی‌شده را بر هم زد. تحلیلگران تصور می‌کردند هدف قرار دادن مناطق مسکونی و غیرنظامیان می‌تواند با ایجاد رعب و هراس، «شیرازه جامعه را از هم بپاشد». اما تجربه زیسته مردم ایران نشان داد که «این معادله بدبینانه در عمل، نتیجه‌ای معکوس داشته است». در روزهایی که «مرز میان شهروند و رزمنده در میدان خطر کمرنگ شد»، نوعی همبستگی از دل بحران جوشید که با به حاشیه بردن گسل‌های اجتماعی، «سرنوشت مشترک را به قوی‌ترین عنصر انسجام ملی تبدیل کرد». جامعه‌شناسان در تحلیل این پدیده می‌گویند: «وقتی خشونت، مرز میان نظامی و غیرنظامی را از میان برمی‌دارد و خانه، مدرسه، بیمارستان و محله را در معرض خطر قرار می‌دهد، احساس تهدید مشترک جایگزین ترس فردی می‌شود» و جامعه جنگ را نه مسئله گروهی خاص، بلکه «تعرضی به امنیت، موجودیت و کرامت جمعی خود» تلقی می‌کند. پژوهش‌های میدانی نیز نشان می‌دهد جامعه ایران در بحران جنگ، به جای فرسایش روانی و اجتماعی، «نوعی ایمان جمعی فعال از خود بروز داده است؛ ایمانی که به بازتولید همبستگی ملی و تقویت هویت دینی ایرانیان انجامیده است.»

هنرمندانی که میدان را خالی نکردند

در میانه این جنگ، عرصه فرهنگ و هنر به «میدان تقابل روایت‌ها، هویت‌ها و مواضع متضاد» تبدیل شد؛ جایی که هنرمندان، نویسندگان و نخبگان فکری، هر یک به‌گونه‌ای متفاوت به بازتعریف مفاهیمی چون «وطن»، «جنگ» و «مسئولیت اجتماعی» پرداختند. بخشی از چهره‌های سرشناس سینما و تئاتر با اتخاذ مواضعی صریح، براولویت «وطن» تاکید کردند و جنگ را نه یک رقابت سیاسی، بلکه «تهدیدی علیه موجودیت تاریخی و تمدنی ایران» توصیف کردند. اما مهم‌تر از مواضع، حضور عملی آنها در میدان بود. رسول هنرمند، هنرمند پیشکسوت تئاتر اصفهان با اشاره به اجرای نمایش‌های خیابانی در موکب‌های مردمی «درست در میانه جنگ» می‌گوید: «هنرمندان، خودشان را از مردم جدا نمی‌بینند» و «این روزها ایرانی‌های واقعی، با جان خودشان، پای وطن ایستاده‌اند». نمایش‌هایی نیز بودند که «زیر بمباران صهیونیست‌ها تمرین‌های‌شان برقرار بود» و پس از آن به اجرا رفتند. این حضور، تنها یک ژست نمادین نبود؛ بلکه نشانه‌ای از این واقعیت بود که در شرایط بحرانی، فرهنگ از یک «حوزه» به یک «میدان کنش» تبدیل می‌شود و هنرمند به عنوان «میاندار فرهنگی» میان جامعه و روایت ملی عمل می‌کند.

جنگ روایت‌ها؛ از بمباران شهرها تا مهندسی افکار عمومی

آنچه این جنگ را از درگیری‌های نظامی پیشین متمایز می‌کند، تبدیل شدن آن به یک «جنگ روانی و رسانه‌ای تمام‌عیار» است. پس از پایان مرحله نخست درگیری‌ها، رژیم صهیونیستی و آمریکا «به جنگ روایت و شناختی علیه ایران روی آورده‌اند» و تلاش کرده‌اند با «استناد به ترور فرماندهان و حمله به تاسیسات هسته‌ای»، خود را پیروز میدان معرفی کنند، در حالی که «هیچ تصویر و آماری از میزان خسارت‌های انسانی، اقتصادی و زیرساختی» ارائه ندادند که موشک‌های ایرانی به رژیم وارد کردند. همزمان، گزارش‌های تحقیقی از جمله گزارش نشریه فرانسوی فیگارو فاش کرده است که اسرائیل «یک کارزار گسترده و پنهان دیجیتال» را علیه ایران در فضای مجازی پیش می‌برد و حساب‌هایی که از سال ۲۰۲۳ ایجاد شده بودند اما نزدیک به دو سال فعالیت چشمگیری نداشتند، «در اوایل سال ۲۰۲۵ و همزمان با افزایش تنش‌های نظامی، ناگهان فعال شدند». هدف این عملیات روانی، به گفته تحلیلگران، «تاثیرگذاری بر افکار عمومی» و «القای فروپاشی اقتصادی» در صورت وقوع جنگ است. در چنین شرایطی، فرهنگ نه فقط یک عرصه برای آرامش بخشیدن، بلکه به «سنگر اصلی دفاع» در برابر جنگ شناختی تبدیل می‌شود. هوش فرهنگی و عناصر فرهنگی، به گفته صاحب‌نظران، «مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در روح جمعی مردم ایران» بوده‌اند و اگر «فهم درستی از دلایل خرد جمعی و مقاومت جمعی مردم ایران حاصل نشود و مسیر اشتباهی انتخاب گردد، پیامدهای نگران‌کننده‌ای رخ خواهد داد.»

زبانی که از دیوارها عبور می‌کند

اکنون و مانند همیشه، در میان همه ابزارهای فرهنگی، سینما جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا پیش از آنکه ابزار سرگرمی باشد، «زبان مشترک جهانی» است؛ زبانی که بدون نیاز به مترجم رسمی، از دیوارهای انسداد عبور می‌کند و به قلب مخاطب می‌رسد. نقطه آغاز این مسیر را باید در میراث عباس کیارستمی جست‌وجو کرد؛ هنرمندی که با نخل طلای «طعم گیلاس» در سال ۱۹۹۷، ایران را از یک «سینمای ناشناخته شرقی» به یکی از قطب‌های اصلی سینمای مؤلف جهان تبدیل کرد. پس از او، دیگران با جوایز جهانی خود این مسیر را تثبیت کرده و نشان دادند که سینما می‌تواند تصویری از ایران را «دقیق‌تر و عمیق‌تر از هر ابزار رسمی» بسازد؛ تصاویری که از خانه‌های معمولی، روابط متعارض و اخلاقیات خاکستری یک جامعه زنده و پیچیده سخن می‌گویند. موفقیت در جشنواره‌های کن، ونیز و برلین نشان می‌دهد که حتی بدون تکیه بر یک صنعت بزرگ، می‌توان اعتباری جهانی کسب کرد. با این حال، این ظرفیت عظیم هنوز در سطح سیاست‌گذاری فرهنگی به طور کامل جدی گرفته نشده است. تجربه شخصی یک ایرانی در جنوب شرق آسیا گویاست؛ جایی که هیچ تصویری از ایران در ذهن مخاطبان وجود نداشت، تنها نام یک فوتبالیست توانست پلی برای ارتباط و هویت‌سازی باشد. این نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی گاه توسط «چهره‌ها و روایت‌های محبوب جهانی» ساخته می‌شود، نه توسط مناسبات رسمی. لذا ضروری است که سفرا و رایزنان فرهنگی بیش از پیش با ظرفیت و کارکرد سینما و هنر آشنا شوند، زیرا «گاهی یک فیلم، کاری می‌کند که ده‌ها نشست رسمی از آن ناتوان‌اند.»

از تصدی‌گری دولتی به حکمرانی شبکه‌ای

آنچه تجربه سیاست‌گذاری فرهنگی، به‌ویژه در شرایط جنگ، نشان می‌دهد این است که اثرگذاری پایدار، بیش از آنکه به شدت عمل و کنترل بیرونی وابسته باشد، به «جاذبه» و «اعتبار» گره خورده است. الگوی مطلوب، گذار از «دولت محور و دستوری» به «شبکه‌محور و مردم‌پایه» است. در این الگو، نهادهای فرهنگی نقش «تنظیم‌گر هوشمند و تسهیل‌گر» را ایفا می‌کنند و بار اصلی «مدیریت و ترمیم نظام فرهنگی» بر عهده «شبکه کنشگران فرهنگی» قرار می‌گیرد. جنگ اخیر این واقعیت را به‌روشنی نشان داد: آنچه جامعه را در برابر بحران مقاوم کرد، نه بخشنامه‌های رسمی، بلکه «سرمایه اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و انسجام ملی» بود که از دل خود جامعه جوشید. در سطح بین‌المللی نیز واکنش‌های مردمی و غیردولتی در کشورهای مختلف نشان داد که «روایت‌های رسمی قدرت‌های جهانی تنها مرجع شکل‌دهنده افکار عمومی نیستند» و «حمایت‌های مردمی، فعالیت‌های مدنی و اعلام همبستگی» شرایط جدیدی را برای دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم کرده است. این یعنی «پارادیپلماسی» و کنشگری شبکه‌های غیردولتی، هنرمندان و چهره‌های فرهنگی، می‌توانند کاری کنند که ساختارهای رسمی از انجام آن ناتوان‌اند. تقویت سهم مردم در اقتصاد فرهنگ، که در شرایط فعلی «ضعیف و فاقد سازوکار حمایتی» توصیف شده است، بخشی جدایی‌ناپذیر از این گذار است. در این چارچوب، سیاست‌گذاری فرهنگی از تمرکز بر ممنوعیت و بخشنامه به تمرکز بر آموزش، توانمندسازی و ایجاد فرصت‌های برابر فرهنگی حرکت می‌کند. تجربه سال‌های اخیر به‌روشنی نشان داده است که رویکردهای قیم‌مآبانه، به جای تقویت ارزش‌ها، موجب فاصله گرفتن جوانان از آنها می‌شود.

روایتی که شنیده می‌شود

نکته بنیادین آن است که فرهنگ را نمی‌توان با فرمان ساخت، اما می‌توان با جاذبه، صداقت و کیفیت ساخت. ایران با پیشینه‌ای چند هزار ساله و سرمایه انسانی خلاق، ظرفیت آن را دارد که روایتی از خود ارائه دهد که هم در داخل اعتماد و امید تولید کند و هم در بیرون، تصورات قالبی و روایت‌های تحریف‌شده را به چالش بکشد. جنگ اخیر، با همه ویرانی‌ها و رنج‌هایش، یک درس فرهنگی بزرگ داشت: جامعه‌ای که در آن هنرمند در موکب مردمی نمایش اجرا می‌کند، موزه‌دار در میانه بمباران آثار تاریخی را رها نمی‌کند و مردم در دل خطر «سرنوشت مشترک» را بر گسل‌های اجتماعی ترجیح می‌دهند، جامعه‌ای نیست که با بخشنامه اداره شود یا با عملیات روانی از پای درآید. این روایت نه از تریبون‌های رسمی، بلکه از دل هنر، ادبیات، سینما و تجربه زیسته مردمان این سرزمین بیرون می‌آید. سیاست فرهنگی مطلوب، سیاستی است که این صداها را بشنود، میدان را برایشان باز کند و به جای رقابت با تحولات اجتماعی، با آنها گفت‌وگو کند. تنها از این مسیر است که فرهنگ ایرانی–اسلامی می‌تواند هم در درون بازتولید شود و هم در بیرون الهام‌بخش باشد؛ حتی در سخت‌ترین روزها.

در سومین شب از اجراهای خیابانی «سردار آسمانی» چه گذشت؟

اجرای تئاتر ۶ گروه ایرانی و یک گروه عراقی



سومین شب اجراهای خیابانی «سردار آسمانی» با حضور مدیران فرهنگی و هنری، اجرای گروه‌های نمایشی ایران و عراق در تئاتر شهر و برگزاری نمایش‌هایی در میادین پایتخت برگزار شد.

به گزارش «آگاه» به نقل از ستاد خبری جشنواره تئاتر مقاومت، سومین شب اجرای نمایش‌های خیابانی «سردار آسمانی» بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت، با حضور سردار علی مقواساز، معاون فرهنگی و هنری سازمان بسیج مستضعفین و رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح، اتابک نادری، مدیرکل هنرهای نمایشی، امیر وجدانی نیا، قائم مقام بنیاد فرهنگی روایت فتح، محسن سلیمانی فارسانی، مدیرعامل انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس، توحید معصومی، معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی اداره‌کل هنرهای نمایشی و اصغر خلیلی، مدیر تئاتر شهر، برگزار شد.

از شهدای ناو دنا تا کودکان قربانی جنگ

در این شب ۶ گروه نمایشی از ایران و یک گروه از کشور عراق در محوطه مجموعه تئاتر شهر به اجرای آثار خود پرداختند و مدیران هنری نیز به تماشای این آثار نشستند.

نمایش «ناو دنا» با محوریت قهرمانان شهید ناوچه دنا، آغازگر اجراهای خیابانی شب سوم بود. این نمایش به نویسندگی و کارگردانی مینا اخوان از کرمان، گوشه‌ای از زندگی یکی از شهدای این ناو را به تصویر کشید. این اثر در بخش مسابقه جشنواره حضور داشت. هنرمندان خرمشهر نیز با نمایش «شجره طیبه» به نویسندگی آمنه پورحسینی و کارگردانی پژمان مهراب‌پور، که در بخش مسابقه حضور داشت، به روایت حمله دشمن آمریکایی – صهیونیستی به مدرسه «شجره طیبه» میناب در نهم اسفند پرداختند. در ادامه، نمایش «فروشی نیست» به نویسندگی و کارگردانی شهرزاد رنود از اردبیل اجرا شد. این نمایش از جمله آثار تولید شده در کارگاه «افق مقاومت» جشنواره بود که در بخش مسابقه حضور داشت.

نمایش «در غلطان» به نویسندگی و کارگردانی امیر امینی از لاهیجان، از دیگر آثار بخش مسابقه بود که پیش از این در میدان حضرت ولی عصر (عج) و تجمعات مردمی اجرا شده بود. این نمایش با روایت زندگی شهید لاریجانی از دوران کودکی تا شهادت، میزبان مخاطبان شد. نمایش «شیرک منهای دو» به نویسندگی آرزو بهرامی و کارگردانی آدینه رحیم‌نژاد از اصفهان نیز که در بخش مسابقه جشنواره حضور داشت، به سیدمجید موسوی، فرمانده هوافضای سپاه پاسداران ایران و دلاورمردان این عرصه تقدیم شد. نمایش «پرندگان درختان زیتون» به نویسندگی و کارگردانی روح‌الله آریس از کرمان نیز با موضوع شهادت کودکان در جنگ‌های دشمنان غاصب، به روایت وقایع ایران، غزه، لبنان، فلسطین، افغانستان و دیگر مناطق پرداخت. این اثر نمایشی نیز از آثار بخش مسابقه جشنواره بود.

تئاتری‌های عراق با «هش» در تئاتر شهر

در بخش ملل، گروهی از کشور عراق با نمایش «هش» به نویسندگی و کارگردانی عبدالحسین نوری‌العاتی، با موضوع قیام علیه استبداد به اجرای اثر پرداخت.

در پایان این نمایش، عبدالحسین نوری‌العاتی با در دست داشتن پرچم ایران و عراق، با قدردانی از مردم ایران گفت: مردم ایران، برادران و خواهران ما هستند. ایران در قلب ماست. ما با ایران پیوندی عمیق و جدانشدنی داریم که همواره بر این پیوند و عهد دوستی استواریم.

«تئاتر در میدان» به میدان شهدا رسید

هنرمندان تئاتر خیابانی در دو شب گذشته برگزاری بخش «سردار آسمانی»، در میادین انقلاب و ولی‌عصر (عج) به اجرای نمایش پرداختند که با استقبال مردم همراه شد.

در سومین شب، علاوه بر دو میدان پیشین، گروه‌های نمایش خیابانی با حضور در میدان شهدا، به اجرای آثار خود در تجمعات مردمی پرداختند.

نمایش‌های «دوازده روز عاشقی» به نویسندگی کاظم ارجمندنیا از بوشهر در میدان انقلاب، «پرواز پروانه‌ها» به نویسندگی و کارگردانی آرزو جعفری از تهران در میدان ولی‌عصر (عج) و «سوزوگذار» به نویسندگی و کارگردانی مهرداد کاووسی در میدان شهدا، از جمله آثار اجراشده در تجمعات مردمی بودند.

مقاومت و تحولات اجتماعی، محور نهمین سمینار پژوهشی جشنواره

نهمین سمینار علمی پژوهشی جشنواره نیز در سومین روز از برگزاری بخش «سردار آسمانی» بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت، در تالار مشاهیر تئاتر شهر برگزار شد. این سمینار در سه پنل پژوهشی و با حضور پژوهشگران، به دبیری رامتین شهبازی، علی حاج‌ملاعلی و مریم ایرانمنش برگزار شد. در این نشست، پژوهشگران مقالات خود را با موضوعاتی چون مقاومت، تئاتر و تحولات اجتماعی، بازنمایی جنگ، تئاتر فلسطین، آئین‌های نمایشی و هنر مقاومت ارائه کردند.

تئاتر مقاومت، جریانی پویا در عرصه هنر کشور

سردار علی مقواساز، معاون فرهنگی و هنری سازمان بسیج مستضعفین و رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح، در حاشیه این رویداد بیان کرد: بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت رویدادی زنده و پویاست و اکنون حدود یک سال است که تمام کشور به دلایل مختلفی چون برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مسابقه نمایشنامه نویسی، سمینارهای علمی پژوهشی و اجراهای صحنه ای درگیر این رویداد هنری هستند و خوشبختانه اکنون به نقطه نهایی و اجرای بخش نمایش‌های خیابانی «سردار آسمانی» رسیده است.

وی ادامه داد: هنرمندان حوزه‌های مختلف چون تئاتر، سینما، هنرهای تجسمی و موسیقی، همچون رزمندگان ما که از مرزهای کشور حفاظت می‌کنند، محکم ایستاده‌اند تا مقاومت را به مردم معرفی کنند و امید که خداوند حافظ این عزیزان باشد.

قصه تئاتری که با اقتضائات اجتماعی پرورش یافته است

اتابک نادری، مدیرکل هنرهای نمایشی نیز بیان کرد: جشنواره‌ها پیام فرامرزی دارند. تئاتر هنری زنده و در کنار مردم است. این هنر برای ایجاد نشاط و همبستگی، آن هم در شرایط دشوار جنگی، همچنان رسالت خود را انجام می‌دهد.

وی افزود: تئاتر مقاومت یکی از جریان‌های قوی و محکم در تئاتر ما به شمار می‌آید که با توجه به اقتضائات اجتماعی، خود را تکمیل کرده و پرورش داده است.

بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت با شعار «ایران، صحنه جاودان مقاومت» به دبیری محمد کاظم‌تبار و توسط انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح، از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ آغاز شده است و تا پاییز ۱۴۰۵ در سراسر کشور ادامه خواهد داشت.



علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان:

برگزیدگان رویداد «جوان سال» زمستان ۱۴۰۵ به مدرسه حکمرانی جوانان راه می‌یابند

پیشنهاد «آگاه» برای یک سفر کم‌هزینه و نزدیک به یکی از جاذبه‌های تهران

سفر به روستای چهارفصل «سنگان»

فاطیما کریمی، روزنامه نگار: این روزها که افزایش قیمت بلیت هواپیما، قطار و اتوبوس، هزینه سفر را بالا برده و مخارج اقامت نیز برنامه‌ریزی برای سفرهای چندروزه و طولانی را دشوارتر کرده است، شاید بهتر باشد چمدان را بیکار نگذاریم و به مناطقی از شهرمان برویم که تاکنون کمتر به آن توجه کرده‌ایم؛ مناطقی که در عین زیبایی می‌تواند مقصدی برای یک شب اقامت و یک یا حتی دو روز سفر باشد.

سفرلزوما به معنای بستن چمدان، خرید بلیت و دورشدن از شهر برای چند روز نیست. گاهی کافی است صبح زود از خانه بیرون بزنیم، مسیری کوتاه را پشت سر بگذاریم و جایی را ببینیم که سال‌ها در نزدیکی ما بوده، اما کمتر به آن توجه کرده‌ایم.

پیشنهاد خبرنگار «آگاه» در چنین روزهایی، جدی گرفتن سفرهای یک‌روزه و گردشگری درون شهری و پیرامون شهرهاست؛ فرصتی برای شناخت دوباره جاذبه‌هایی که شاید به دلیل نزدیکی، از نگاه ما پنهان مانده‌اند. مانند تهران که با همه شلوغی و هیاهویش، در فاصله‌ای نه‌چندان دور از روستاهایی برخوردار است که می‌توانند چند ساعت آرامش، طبیعت و آشنایی با تاریخی کمتر شناخته‌شده را به شهروندان تهرانی هدیه دهند.

این بار مقصد «روستای سنگان» است که در فاصله حدود ۳۰ کیلومتری شمال غرب تهران قرار دارد و فقط کافی است از خیابان‌های شلوغ پایتخت فاصله بگیریم تا به باغ‌های میوه، خانه‌های روستایی، کوهستان‌های البرز و صدای جریان آب برسیم. اینجا سفر از همان لحظه‌ای آغاز می‌شود که ساختمان‌های بلند جای خود را به دامنه‌های کوهستانی می‌دهند و هوای شهر آرام‌آرام رنگ آرامش به خود می‌گیرد.

برای رسیدن به سنگان باید از غرب تهران، مسیر شهران و بلوار کوهسار را در پیش گرفت و پس از ورود به جاده کن. سولقان، به سمت امامزاده داوود حرکت کرد. در ادامه، مسیر فرعی روستا شما را به یکی از قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های کوهپایه‌ای اطراف تهران می‌رساند.

سنگان از چند بخش قدیمی شامل سنگان پایین، سنگان وسط و سنگان بالا تشکیل شده است. هر بخش حال‌وهوای خودش را دارد از بافت قدیمی و بناهای تاریخی گرفته تا باغ‌هایی که در فصل بهار با شکوفه‌های سفید و در تابستان و پاییز با میوه‌های رنگارنگ جلوه‌ای دیگر پیدا می‌کنند.

در نگاه نخست، شاید سنگان مقصدی برای چند ساعت قدم زدن در طبیعت به نظر برسد، اما کمی که در آن بمانیم، متوجه می‌شویم با روستایی روبه‌رو هستیم که تاریخ، فرهنگ و شیوه زندگی مردمش همچنان در گوشه‌وکنار آن جریان دارد.

سنگان فقط یک منظره زیبا در دامنه البرز نیست این روستا بخشی از حافظه تاریخی و اجتماعی منطقه تهران را در خود نگه داشته است.

یکی از ویژگی‌های جالب سنگان، تلاش برای گسترش گردشگری روستایی و ارائه تجربه‌هایی فراتر از اقامت معمول در یک اتاق یا کلبه است.

رضا ملانوروزی، فعال میراث فرهنگی و گردشگری روستایی، در گفت‌وگو با خبرنگار «آگاه» به چهار نوع اقامتگاه سنتی در مجموعه ارگ سنگی اشاره می‌کند: کلبه‌های چوبی، کلبه‌های خشتی، کلبه‌های سنگی و سیاه‌چادرهای عشایری.

هرکدام از این اقامتگاه‌ها روایتی از شیوه زندگی و معماری بخش‌های مختلف ایران دارند. کلبه‌های چوبی یادآور خانه‌های مناطق شمالی کشورند، سازه‌های خشتی به معماری نواحی مرکزی و برخی مناطق کوهستانی اشاره می‌کنند و کلبه‌های سنگی، معماری سازگار با زندگی در ارتفاعات را به نمایش می‌گذارند. سیاه‌چادرها نیز ما را به دنیای زندگی عشایری نزدیک می‌کنند.

شاید برای ساکنان تهران، اقامت در یک سیاه‌چادر تجربه‌ای متفاوت و حتی غیرمنتظره باشد تجربه‌ای که برای لمس آن معمولا باید مسافت زیادی را طی کرد. اما این امکان در سنگان فراهم شده است.

این تجربه البته تنها جنبه تفریحی ندارد. اطراف تهران در گذشته با مسیرهای کوچ فصلی عشایر و دامداران ارتباط داشته است. گروه‌هایی از عشایر در جابه‌جایی‌های فصلی خود از مناطقی مانند ورامین و ارتفاعات اطراف عبور می‌کردند و سنگان نیز با این شیوه زندگی بیگانه نبوده است.

به همین دلیل، نشستن در یک سیاه‌چادر در این روستا می‌تواند فرصتی برای آشنایی با بخشی از تاریخ اجتماعی منطقه باشد؛ تاریخی که شاید کمتر در روایت‌های معمول از تهران به آن پرداخته شده است.

گردشگری روستایی نباید تنها به اجاره یک اقامتگاه و گذراندن شب محدود شود. نان‌پزی سنتی، چشیدن غذاهای محلی، آشنایی با گیاهان دارویی، دیدن معماری بومی و شرکت در دورهمی‌های شبانه، همگی می‌توانند بخشی از تجربه حضور در روستا باشند. بنابراین سنگان هم توانسته همه این تجربه‌ها را در اختیار گردشگرانش قرار دهد.

در میان کوچه باغ‌ها و بافت قدیمی سنگان پایین، بنایی قرار دارد که برای شناخت تاریخ روستا باید به سراغش رفت تکیه‌ای تاریخی با سقف چوبی و معماری سنتی که گفته می‌شود حدود ۷۰۰ سال قدمت دارد اما هنوز کسی نتوانسته حدس بزند که تیر چوبی وسط این بنا که قدیمی‌ترین جزو این حسینیه است از چه زمانی بنا شده است.

علیرضا مشهدی، فعال گردشگری محلی و روزنامه‌نگار، در فضای مجازی خودش هم تلاش می‌کند سنگان را بیشتر برای تهرانی‌ها معرفی کند. او می‌گوید: تعدادی از سنگ قبرهای استفاده‌شده در دیوارها و بخش‌های مختلف تکیه، کتیبه‌هایی متعلق به دوره‌های ایلخانی و تیموری دارند و نشان‌دهنده قدمت و اهمیت تاریخی این مکان است. اما این سنگ‌ها را سال‌ها قبل برای جلوگیری از دزدی، در دیوار مخفی کردند.

البته بنای کنونی در طول قرن‌ها تغییراتی را تجربه کرده و بخش‌هایی از آن، به‌ویژه در دوره قاجار، مرمت شده است. تکیه هنوز هم بخشی زنده از زندگی اجتماعی سنگان است. در ماه‌های محرم و صفر و مناسبت‌های مذهبی، اهالی در این مکان گرد هم می‌آیند و آیین‌های قدیمی خود را برگزار می‌کنند.

یکی از رسم‌های جالب این تکیه، تعارف تکه‌ای نان و مقداری آب به مهمان پیش از آغاز پذیرایی اصلی است. پس از آن، جوان‌ترها سفره جمعی را آماده می‌کنند سفره‌ای که در آن هنوز نشانه‌هایی از سادگی و سنت‌های قدیمی دیده می‌شود و معمولا خبری از ظروف پلاستیکی یک‌بارمصرف نیست. خیلی وقت‌ها بانوان روستا به این تکیه می‌روند و نذر سفره ام‌البنین (س) می‌کنند. کلیددار تکیه معتقد است که این تکیه حاجت خیلی از افراد را داده است. او برای اثبات حرفش از پدر و پدربزرگش که آنها هم کلیددار بوده‌اند وام می‌گیرد. در این تکیه بخشی از صحنه‌های مجموعه تاریخی «دلیران تنگستان» که در سال ۱۹۷۴ ساخته شد و به زندگی رئیسعلی دلواری، قهرمان ملی ایران، می‌پرداخت، فیلم‌برداری شده است.

اگر از اهالی درباره گذشته سنگان بپرسیم، دیر یا زود صحبت به باغ‌ها و محصولات کشاورزی می‌رسند و از کیفیت محصولات‌شان می‌گویند. اینکه در گذشته کشت گندم و جو در سنگان رواج داشت، اما به‌تدریج باغداری جایگاه پررنگ‌تری پیدا کرد. سیب سنگونی یکی از محصولات شناخته‌شده و بومی روستاست سیبی با پوستی روغنی و ظاهری متمایز که هنوز هم اهالی منطقه غرب تهران هر سیب خوشمزه‌ای را سنگونی می‌نامند. این سیب‌ها اگرچه کمترکشت می‌شود اما آنقدر جذاب است که گردشگران روستا می‌دانند به کجا برای خرید آن مراجعه کنند. اهالی روستا در گذشته برای نگهداری طولانی‌تر این سیب‌ها، آنها را میان شن قرار می‌دادند روشی ساده و متناسب با امکانات زندگی روستایی که به ماندگاری محصول کمک می‌کرد.

باغ‌های گیلاس به‌ویژه در فصل بهار، تصویری تماشایی از سنگان می‌سازند و جای خیلی از درختان سیب را گرفته‌اند. درختان پوشیده از شکوفه‌های سفید بهاری، در کنار پس‌زمینه کوهستانی البرز، منظره‌ای پدید می‌آورند که می‌تواند یکی از دلایل اصلی سفر به این روستا باشد.

گیلاس اکنون از مهم‌ترین محصولات کشاورزی سنگان به شمار می‌رود و بنا بر اطلاعات محلی، علاوه بر بازارهای داخلی، به کشورهای حاشیه خلیج فارس، روسیه و برخی مقاصد اروپایی نیز صادر می‌شود. گردو و توت هم از دیگر محصولات باغ‌های این منطقه هستند.

این سبدها داستان زندگی مردم را روایت می‌کنند

یکی از میراث‌های کمتر شناخته‌شده سنگان، هنر سبدبافی محلی یا سبدبافی سنگونی است هنری که روزگاری در زندگی روزمره مردم نقش مهمی داشت و اکنون در معرض فراموشی قرار گرفته است. این هنر در سال ۲۰۱۹ با شماره ۲۶۵۸ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس ملی ایران ثبت شد. سبدهای سنتی سنگان از شاخه‌های بید ساخته می‌شوند. شاخه‌ها معمولا در پاییز جمع‌آوری و پس از آماده‌سازی، به هم بافته می‌شوند تا ظروف و سبدهایی در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف پدید بیایند.

در گذشته، این سبدها کاربردهای فراوانی داشتند از آبکش و دم‌کنی برنج گرفته تا سبد پذیرایی و ظرف جمع‌آوری میوه. سبدهای بزرگ‌تر که در گویش محلی «دستاره» نامیده می‌شوند، به‌خصوص در فصل برداشت محصول مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

این هنر حتی با مسیرهای تجاری قدیمی تهران نیز پیوند داشت. کشاورزان سنگانی برای انتقال محصولات خود، به‌ویژه سیب، از سبدهای بزرگ بافته‌شده استفاده می‌کردند و محصولات را با حیوانات باربر به تهران می‌رساندند. این مسیر از کاروانسرای تاریخی کن می‌گذشت و در نهایت به محله گمرک در مرکز تهران می‌رسید.

حالا با تغییر سبک زندگی و رواج بسته‌بندی‌های جدید، استفاده از سبدهای سنتی کاهش پیدا کرد. امروز شمار کسانی که همچنان این هنر را به شکل سنتی دنبال می‌کنند، محدود است و دیگر کسی نیست که بخواهد طرز بافت سبد سنگونی را یاد بگیرد.

این هنر توسط ملانوروزی ثبت ملی شد ولی ثبت ملی این هنر به تنهایی برای حفظ آن کافی نیست. تا زمانی که تولیدکننده فعال، بازار فروش و فرصت آموزش به نسل جوان وجود نداشته باشد، خطر فراموشی سبدبافی سنگونی همچنان جدی خواهد بود. بنابراین اگر خواستید این سبدها که تعداد محدودی از آنها بافته شده را ببینید باید به خانه فرهنگ سنگان مراجعه کنید. شاید کسی باشد که درهای آنجا را که روزی برنامه‌های فرهنگی متعددی برگزار می‌کرد باز کند.

نمی‌شود از سنگان گفت و نام آبشار معروف آن را نیاورد. آبشار سنگان از شناخته‌شده‌ترین جاذبه‌های طبیعی اطراف تهران با ارتفاع آبشار حدود ۴۰ تا ۶۰ متر است که در بهار، افزایش حجم آب و سرسبزی اطراف، منظره‌ای چشم‌نواز ایجاد می‌کند. تابستان و پاییز نیز با تغییر رنگ پوشش گیاهی، چهره‌ای متفاوت دارد. قندیل‌های عظیم یخی که ارتفاع برخی از آنها به حدود ۲۰ تا ۳۰ متر می‌رسد این آبشار را در زمستان به منظره‌ای شبیه یک سازه یخی طبیعی تبدیل می‌کند.

برای رسیدن به آبشار در روزهای سرد سال آمادگی و تجهیزات مناسب نیاز است. البته در هر زمانی مسیر دسترسی به آبشار از نزدیکی امامزاده قاسم در سنگان بالا آغاز می‌شود. در ابتدای مسیر، از کنار باغ‌ها، جویبارها و راه‌های دامنه‌ای باید عبور کرد. با افزایش شیب مسیر، طبیعت کوهستانی آشکارتر شده و به آبشار خواهید رسید. آبشار مقصد یک پیاده‌روی کوتاه و ساده نیست. رسیدن به آن به کوه‌پیمایی چندساعته نیاز دارد و زمان پیمایشش به آمادگی جسمانی، شرایط جوی و وضعیت مسیر بستگی دارد. بنابراین، اگر هدفتان بازدید از آبشار است، باید از همان ابتدا برنامه‌ای مناسب برای رفت‌وبرگشت در نظر بگیرید.

این آبشار هم مانند سبد سنگونی در فهرست میراث ملی ثبت شده است، آن هم به همت ملانوروزی. او حتی چنارکهنسال کنار امامزاده قاسم (ع) را هم ثبت کرده و پرونده‌اش را نوشته است. قدمت ثبت شده برای این چنار کهنسال ۴۰۰ سال است اما اهالی می‌گویند بیشتر از ۷۰۰ سال قدمت دارد شاید تا هزار سال. حالا این چنارکهنسال فقط یک درخت نیست پنج درخت تنومند از یک ریشه در کنار رودخانه و امامزاده و یک چایخانه محلی!

طبیعت سنگان فقط به آبشار و باغ‌های میوه و چنارش محدود نمی‌شود. موقعیت جغرافیایی روستا در دامنه‌های جنوبی البرز، زیستگاهی متنوع برای گونه‌های مختلف گیاهی به وجود آورده است. در ارتفاعات اطراف می‌توان گیاهانی مانند آویشن، چای کوهی، کاکوتی و ریواس را دید. برخی گونه‌های دارویی و بومی دیگر نیز در این محدوده می‌رویند. این تنوع گیاهی زمینه را برای حضور طبیعت‌گردان و آموزش محیط زیستی فراهم کرده است. چون حتی برای آن موزه‌ای طبیعی تشکیل داده‌اند. ماجرا این است که ملانوروزی فعال گردشگری روستا هم هست و از علاقه‌مندانی که در این روستا اقامتگاه بوم‌گردی ایجاد کرده و داخل زمین‌های این مجموعه گیاهان دارویی کاشته و اطلاعات هرکدام از آنها را نوشته است.

چند نکته درباره «سنگان»

برای سفر به سنگان، بهتر است صبح زود از تهران حرکت کنید به خصوص اگر قصد دارید علاوه برگشت‌وگذار در روستا، مسیر آبشار را هم طی کنید. در روزهای تعطیل و به‌ویژه آخر هفته‌های خوش‌آب‌وهوا، ترافیک جاده کن-سولقان افزایش پیدا می‌کند و پیدا کردن جای پارک در محدوده روستا ممکن است زمانبر باشد. مسیر خودرو به بخش‌های مختلف روستا می‌رسد، اما رسیدن به آبشار با ماشین امکان‌پذیر نیست و بخش پایانی سفر باید با پای پیاده طی شود. اگر برنامه سفر یک‌روزه و سبک‌تر را دارید هم می‌توانید بدون پیمایش کامل آبشار، به گشت‌وگذار در سنگان پایین و بالا، دیدن تکیه تاریخی، امامزاده قاسم(ع)، چنارکهنسال، باغ‌ها و مسیرهای اطراف رودخانه بسنده کنید.

در روستا، علاوه بر امامزاده قاسم (ع)، امامزاده سید علاءالدین (ع) و امامزاده عقیل (ع) هم قرار دارد. این روستا در فصل بهار، شکوفه‌های گیلاس و سیب را دارد. در تابستان با انواع میوه‌های تابستانی نشسته بر درخت میزبانی می‌کند، در پاییز هزاررنگ را به رخ می‌کشد و در زمستان هم سفیدی برف را میان سبزی درختان و رود پرآب به نمایش می‌گذارد. بنابراین هر روز از سال اینجا یک مقصد برای گردشگری است.

یک نکته مهم اینکه باید به یاد داشته باشیم که بسیاری از باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی، املاک خصوصی اهالی روستا هستند. ورود به این زمین‌ها، چیدن میوه یا آسیب زدن به محصولات بدون اجازه صاحبان آنها، بخشی از رفتارگردشگری مسئولانه نیست.



افتتاح نمایشگاه «کیمیا» در خانه خلاق ملک

رونمایی از صنایع دستی هنرمندان خراسانی

مدیرعامل موسسه موزه‌های دفینه گفت: کیمیا با روایت‌محور کردن آثار صنایع دستی، به دنبال ایجاد ارزش افزوده و ورود هنر ایرانی به بازارهای بین‌المللی است.

به گزارش روابط عمومی گروه موزه‌های دفینه، حمیدرضا سلیمانی، مدیرعامل موسسه موزه‌های بنیاد، در آیین افتتاح نمایشگاه صنایع دستی «کیمیا» که در مرکز نوآوری و خانه خلاق ملک برگزار شد، با اشاره به شکل‌گیری این برند با رویکردی متفاوت در حوزه صنایع دستی اظهار کرد: برنامه ریزی برای ایجاد برند کیمیا از حدود یک سال گذشته آغاز شده و این طرح برای نخستین بار در کشور با رویکرد روایت‌محور کردن آثار صنایع دستی در حال اجراست.

وی افزود: تفاوت این رویکرد با فعالیت‌های معمول در حوزه صنایع دستی آن است که برای هر اثر، روایت مشخصی در نظر گرفته می‌شود و این روایت می‌تواند ارزش افزوده مضاعفی برای محصول ایجاد کند؛ رویکردی که در بسیاری از نقاط جهان مورد توجه قرار گرفته است.



مدیرعامل موسسه موزه‌های بنیاد مستضعفان با بیان اینکه مشهد به‌عنوان نقطه آغاز این طرح انتخاب شده است، گفت: نخستین برنامه را در مشهد مقدس و در جوار بارگاه امام رضا (ع) آغاز کردیم و امیدواریم برکت این فعالیت نصیب همه هنرمندان و دست‌اندرکاران آن شود.

سلیمانی با اشاره به عرضه حدود ۲۰۰ اثر هنری در این نمایشگاه ادامه داد: این آثار حاصل تلاش هنرمندان صنایع دستی است و قرار است با برنامه‌ریزی انجام‌شده در بازارهای بین‌المللی عرضه شوند تا علاوه بر معرفی هنر و فرهنگ ایرانی، زمینه ارزآوری از محل صنایع دستی نیز فراهم شود.

وی یکی از اهداف اصلی کیمیا را کشف، شناسایی و حمایت از هنرمندان در استان‌های مختلف دانست و تصریح کرد: در همین راستا شبکه‌ای با عنوان «کیمیاگران» شکل گرفته است که هنرمندان استان‌های مختلف را دربر می‌گیرد و می‌تواند زمینه‌ساز توسعه فعالیت‌های هنری و خلق آثار بیشتر باشد.

سلیمانی با تاکید بر نقش صنایع دستی در معرفی فرهنگ و تمدن ایران اظهار کرد: میراث چند هزار ساله ایران در آثار هنری و دست‌ساخته‌های هنرمندان ظهور و بروز پیدا می‌کند. کشورهای مختلف با استفاده از همین آثار، فرهنگ، باورها و هنجارهای خود را به جهان معرفی می‌کنند و ما نیز باید از این ظرفیت برای معرفی فرهنگ ایرانی-اسلامی بهره ببریم.

وی افزود: در این زمینه دیر شروع کرده‌ایم، اما معتقدم شروع خوبی داشته‌ایم. کیمیا می‌تواند به یکی از برندهای شاخص فرهنگ ایرانی-اسلامی تبدیل شود و این ظرفیت را دارد که در نقاط مختلف کشور توسعه پیدا کند.

مدیرعامل موسسه موزه‌های بنیاد همچنین با اشاره به ضرورت توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و هنری شهرهای مختلف کشور خاطرنشان کرد: در مشهد نباید تنها به جنبه زیارتی توجه شود و لازم است ظرفیت‌های هنری، فرهنگی و تاریخی این شهر نیز مورد شناسایی و معرفی قرار گیرد. در دیگر مناطق کشور نیز ظرفیت‌های ارزشمندی وجود دارد که باید به آنها توجه شود.

نوید فلاحت، مجری و برگزارکننده این برنامه نیز با اشاره به روند تولید آثار نمایشگاه کیمیا گفت: هنرمندان خراسان رضوی در کمتر از یک ماه برای تولید این مجموعه تلاش کردند و در نهایت ۲۰۰ اثر از ۱۰۰ هنرمند استان آماده و برای عرضه در این نمایشگاه گردآوری شد.

وی افزود: این آثار با الهام از آثار و گنجینه‌های موجود در موزه‌های دفینه تولید شده‌اند و هدف ما این است که این مجموعه را به شبکه‌ای بین‌المللی متصل کنیم. در حال برنامه‌ریزی برای فعالیت در سطح بین‌المللی هستیم و تحقق این هدف می‌تواند فرصت ارزشمندی برای هنرمندان استان فراهم کند.

فلاحت با تاکید بر اهمیت حمایت از هنرمندان و فعالان صنایع دستی ابراز امیدواری کرد که این حرکت زمینه درخشش بیشتر هنرمندان و توسعه فعالیت‌های آنان را فراهم کند.



علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش:

درصورت احراز تخلف در پرونده سوگند صیادی، با عوامل مدرسه برخورد خواهد شد

شنبـه/ ۳۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۵

روایت یک مطالبه در خیابان‌های تهران

دختران انقلاب خانواده‌ها را به میدان آوردند



خیابان‌های تهران در بعدازظهر جمعه ۲۹ آبان میزبان دسته‌روی خانوادگی «حجاب، لباس رزم خون خواهی» بود؛ حرکتی که با ابتکار مجموعه دختران انقلاب و برگزار شد. قرار بود خانواده ها از چهارراه ولیعصر به سمت میدان انقلاب حرکت کنند و تلاش برای یک مطالبه فرهنگی و اعتقادی در فضای عمومی شهر را به نمایش بگذارند.

عنوان برنامه از همان ابتدا نشان می داد که این حرکت صرفا تجمعی با موضوع حجاب نیست. ترکیب حجاب با مفهوم خون‌خواهی، پیوندی میان پوشش، هویت دینی و یاد شهدا ایجاد می کند که این پیوند در بخش های مختلف برنامه نیز به چشم می‌خورد.

تفاوت اصلی این برنامه با بسیاری از تجمعات مشابه، تاکید بر حضور خانواده‌ها بود. دختران انقلاب از پدران، مادران و فرزندان دعوت کرده بودند تا در کنار یکدیگر در این حرکت شرکت کنند. درواقع حجاب نه صرفا مسئله‌ای مربوط به پوشش زنان، بلکه موضوعی مرتبط با فرهنگ خانواده و انتقال ارزش‌ها میان نسل‌ها معرفی شد.

از فعالیت محله‌ای تا یک حرکت جمعی

بهاره جنگروی، مسئول مجموعه دختران انقلاب، از چند ماه فعالیت و برنامه‌ریزی برای شکل گیری این حرکت سخن گفت. به گفته او، طی چهار تا پنج ماه گذشته شبکه‌هایی از افراد دغدغه‌مند در تهران، حومه و برخی شهرستان‌ها شکل گرفته‌اند که در آماده‌سازی برنامه مشارکت داشته‌اند.

این شبکه از گروه‌های مختلفی تشکیل شده؛ از خانواده‌های شهدا و دانشجویان گرفته تا طلاب و بانوان فعال فرهنگی. به گفته جنگروی، این افراد تنها مخاطب فراخوان نبوده‌اند، بلکه در بخش‌هایی مانند تبلیغات میدانی، ارتباط با مردم، جذب خیرین و تامین هزینه‌های مراسم نیز مشارکت داشته‌اند.

بنا بر اعلام برگزارکنندگان، هزینه‌های برگزاری دسته‌روی از طریق کمک‌های مردمی و خیرین تامین شده و مجموعه برای اجرای آن به بودجه نهادهای دولتی و فرهنگی متکی نبوده است. حتی برخی افراد برای کمک به برگزاری مراسم، بخشی از دارایی‌های شخصی خود را در اختیار این حرکت قرار داده‌اند.

تاکید بر مشارکت مردمی، بخش مهمی از هویت دختران انقلاب را شکل می دهد؛ مجموعه‌ای که می خواهد فعالیت در حوزه حجاب را از قالب برنامه‌های اداری و مناسبتی خارج و آن را به کنشی اجتماعی و داوطلبانه تبدیل کند.

یکی از نکات قابل توجه حضور زنان و دختران با پوشش‌های متفاوت در این مراسم بود. از نگاه دختران انقلاب، این حضور نشان می دهد که می توان زمینه هایی برای همراهی گروه های مختلف اجتماعی بر سر مفاهیمی مانند دفاع از کشور و پاسداشت یاد شهدا ایجاد کرد.

حجاب؛ موضوعی فراتر از یک مراسم خیابانی

راهپیمایی خانوادگی را باید در امتداد فعالیت‌های فرهنگی دختران انقلاب بررسی کرد. بهاره جنگروی از تجربه حدود دو سال فعالیت این مجموعه و ارتباط با دخترانی سخن گفت که در جریان گفت وگوهای فرهنگی درباره حجاب قرار گرفته اند. او معتقد است این گفت وگوها در برخی موارد توانسته است به رفع ابهام ها و شکل‌گیری انتخاب‌های تازه در زمینه پوشش کمک کند.

به نظر می‌رسد برگزارکنندگان، این مراسم را نیز فرصتی برای گسترش همین ارتباطات می‌دانند؛ فرصتی که در آن می‌توانند مخاطبان تازه‌ای پیدا کنند و فعالیت‌های خود را به محله‌ها و گروه‌های اجتماعی بیشتری گسترش دهند.

در کنار این رویکرد فرهنگی، مفهوم خون‌خواهی شهدا نیز جایگاه ویژه‌ای داشت. نام‌گذاری مراسم با عنوان «حجاب، لباس رزم خون‌خواهی» تلاشی برای پیوند دادن یک مطالبه فرهنگی با مفاهیم مقاومت و دفاع از هویت دینی بود.

خیابان؛ محل نمایش یک باور

حجاب در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم و البته مورد بحث در جامعه تبدیل شده است. نگاه‌های متفاوتی درباره شیوه ترویج آن، نسبت انتخاب فردی و قانون و نقش نهادهای فرهنگی وجود دارد. در چنین فضایی، دختران انقلاب تلاش دارند با تاکید بر مشارکت داوطلبانه و حضور خانواده‌ها، روایت خود از حجاب را در فضای عمومی مطرح کنند.

از چهارراه ولیعصر تا میدان انقلاب، پیام اصلی این حرکت تاکید بر پیوند حجاب با خانواده، هویت و یاد شهدا بود. اینکه چنین برنامه هایی تا چه اندازه بتوانند با گروه های مختلف جامعه ارتباط برقرار کنند، به استمرار فعالیت های فرهنگی و کیفیت گفت وگوهای اجتماعی آنها بستگی دارد. چنین حرکتی نباید به یک برنامه یک‌روزه محدود بماند، بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری فعالیت‌های مردمی گسترده‌تری در حوزه عفاف و حجاب فراهم کند.

گرانی را نمی‌توان با جریمه فروشندگان مهار کرد

راهکاری برای نظارت بر بازار

یک کارشناس مسائل اقتصادی با تاکید بر ضرورت تفکیک میان گرانی و گران فروشی اظهار کرد، افزایش قیمت کالاها لزوما به معنای تخلف فروشندگان نیست و برخورد با واحدهای صنفی بدون شناسایی ریشه‌های افزایش قیمت در زنجیره تامین، تولید و توزیع نمی‌تواند به مهار گرانی منجر شود. اصلاح نظام نظارت بر بازار نیازمند عبور از بازرسی‌های سنتی و حرکت به سمت نظارت هوشمند و زنجیره‌محور است.

حسین شریعتمدارطهرانی، کارشناس مسائل اقتصادی، به «ایسنا» گفت: تا زمانی که ریشه‌های اقتصادی افزایش قیمت‌ها شناسایی و برطرف نشود، برخورد صرف با واحدهای صنفی و فروشندگان نمی‌تواند به مهار گرانی منجر شود.

وی با بیان اینکه یکی از چالش‌های نظام نظارت بر بازار، تمرکز بیش از اندازه بر آخرین حلقه زنجیره عرضه است، گفت: قیمت نهایی یک محصول حاصل عملکرد مجموعه‌ای از حلقه‌ها شامل واردات، تامین مواد اولیه، تولید، عمده‌فروشی، حمل‌ونقل، انبارداری و خرده‌فروشی است و نظارت موثر باید تمام این مراحل را دربر بگیرد.

گرانی با گرانفروشی چه تفاوتی دارد؟

این کارشناس مسائل اقتصادی در پاسخ به این پرسش که چه تفاوتی میان گرانی و گرانفروشی وجود دارد، اظهار کرد: گرانی یک پدیده اقتصادی است که می‌تواند تحت تاثیر عواملی همچون رشد نقدینگی، تورم، نوسانات نرخ ارز، افزایش قیمت مواد اولیه، دستمزد، انرژی، هزینه‌های حمل‌ونقل، مالیات، هزینه تامین مالی، محدودیت واردات، کاهش عرضه و اختلال در زنجیره تامین و توزیع شکل بگیرد؛ در مقابل، گرانفروشی یک تخلف قانونی است که بر اساس ضوابط و مقررات قیمت‌گذاری و عرضه کالا و خدمات تعریف و احراز می‌شود.

شریعتمدارطهرانی با اشاره به ماده ۵۷ قانون نظام صنفی افزود: بر اساس این ماده، عرضه یا فروش کالا و ارائه خدمت به بهایی بیش از نرخ‌های تعیین‌شده توسط مراجع قانونی ذی‌ربط و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری، از مصادیق گرانفروشی است. بنابراین، صرف افزایش قیمت یک کالا نسبت به گذشته، به تنهایی دلیل وقوع تخلف نیست؛ همان‌گونه که افزایش هزینه‌های تولید نیز نمی‌تواند مجوزی برای هر میزان افزایش قیمت باشد.

چرا برخورد با آخرین حلقه زنجیره توزیع کافی نیست؟

وی با اشاره به مشکلات موجود در نظام نظارت بر بازار گفت: یکی از چالش‌های اصلی، تمرکز بیش از اندازه بر واحدهای صنفی و فروشندگان است؛ در حالی که قیمت نهایی کالا در نتیجه عملکرد تمام حلقه‌های زنجیره تامین و توزیع شکل می‌گیرد. وقتی مواد اولیه با قیمت بالا تامین می‌شود، هزینه تولید افزایش می‌یابد یا شبکه توزیع با واسطه‌گری غیرضروری و ناکارآمدی مواجه است، برخورد صرف با فروشنده نمی‌تواند ریشه افزایش قیمت را بخشکاند. چنین رویکردی ممکن است به افزایش هزینه‌های نظارت، کاهش انگیزه عرضه و حتی اختلال در توزیع منجر شود. البته این موضوع به معنای نادیده گرفتن تخلفات نیست، بلکه نظارت موثر باید همزمان با تخلف برخورد کند و منشأ افزایش قیمت را نیز شناسایی کند.

هشت راهکار برای اصلاح نظام نظارت بر بازار

این کارشناس مسائل اقتصادی در ادامه، با اشاره به ضرورت عبور از نظارت سنتی و حرکت به سمت مدیریت هوشمند بازار، هشت راهکار را برای اصلاح نظام نظارتی مطرح کرد.

وی نخستین راهکار را ایجاد رصدخانه ملی قیمت و بازاردانست و گفت: اطلاعات مربوط به تولید، واردات، موجودی انبارها، قیمت مواد اولیه، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی باید با محوریت سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و همکاری دستگاه‌های مرتبط تجمیع و تحلیل شود تا امکان رصد دقیق تحولات بازار فراهم شود.

شریعتمدارطهرانی تدوین شناسنامه اقتصادی کالاهای منتخب را دومین راهکار عنوان کرد و افزود: باید ساختار قیمت تمام‌شده کالاها شامل سهم مواد اولیه، دستمزد، انرژی، حمل‌ونقل، هزینه‌های مالی و حاشیه سود حلقه‌های مختلف زنجیره مشخص شود تا عوامل اصلی افزایش قیمت به‌درستی شناسایی شوند.

وی با تاکید بر ضرورت استقرار نظام هشدار زودهنگام اظهار کرد: افزایش غیرمتعارف قیمت‌ها، کاهش موجودی، افت عرضه و تغییرات غیرعادی حاشیه توزیع باید پیش از تبدیل شدن به بحران بازارشناسایی شوند.

این کارشناس مسائل اقتصادی، تغییر رویکرد بازرسی از واحدمحوری به زنجیره‌محوری را چهارمین راهکار دانست و گفت: بازرسی‌ها باید به سمت حلقه‌ای هدایت شوند که منشأ افزایش غیرمتعارف قیمت یا تخلف احتمالی در آن قرار دارد؛ از وارد کننده و تولیدکننده گرفته تا عمده‌فروش و خرده‌فروش.

وی همچنین نظارت هوشمند و مبتنی بر ریسک را ضروری دانست و افزود: بازرسی‌های مستمر باید بر واحدهای دارای سابقه تخلف، رفتارهای پرریسک و بازارهای حساس متمرکز و از بازرسی‌های تکراری و غیرضروری از فعالان اقتصادی قانون‌مدار پرهیز شود.

شریعتمدارطهرانی توسعه شفافیت قیمت را از دیگر الزامات اصلاح نظام نظارت بر بازار برشمرد و گفت: تقویت صدور فاکتور، اطلاع رسانی عمومی قیمت کالاهای منتخب، تسهیل ثبت شکایات و فراهم کردن امکان پیگیری موثر گزارش‌های مردمی می‌تواند به افزایش شفافیت و کاهش تخلفات کمک کند.

وی با اشاره به ضرورت تفکیک مسئولیت دستگاه‌های نظارتی تصریح کرد: باید وظایف وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان حمایت، سازمان تعزیرات حکومتی، اتاق‌های اصناف و سایر دستگاه‌های مرتبط به صورت دقیق مشخص شود تا از موازی‌کاری و انتقال مسئولیت جلوگیری شود.

این کارشناس مسائل اقتصادی تغییر شاخص ارزیابی عملکرد دستگاه‌های نظارتی را هشتمین راهکار دانست و اظهار کرد: عملکرد این دستگاه‌ها نباید صرفا بر اساس تعداد بازرسی‌ها و پرونده‌های تشکیل‌شده ارزیابی شود، بلکه کاهش تخلفات تکرارشونده، بهبود دسترسی مردم به کالا، کاهش شکاف‌های غیرموجه قیمتی و افزایش رضایت مصرف‌کنندگان باید از شاخص‌های اصلی ارزیابی باشد.

کنترل دستوری قیمت‌ها یا مدیریت هوشمند بازار؟

شریعتمدارطهرانی در ادامه با اشاره به سیاست‌های کنترل قیمت اظهار کرد: کنترل قیمت در موارد و شرایطی که قانون تعیین کرده است، می‌تواند ابزاری برای حمایت از مصرف‌کننده باشد، اما قیمت‌گذاری غیرکارشناسی و بدون توجه به هزینه‌های واقعی تولید و شرایط عرضه و تقاضا ممکن است انگیزه تولید را کاهش دهد و زمینه کمبود کالا یا شکل‌گیری بازارهای غیررسمی را فراهم کند. راهکار پایدار برای مدیریت بازار، ترکیب سه رویکرد حمایت از تولید و تامین پایدار، توسعه رقابت و شفافیت در زنجیره تامین و برخورد قاطع و قانونی با تخلفات اقتصادی است.

این کارشناس مسائل اقتصادی با تاکید بر نقش سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان در این زمینه گفت: این سازمان می‌تواند با تقویت ظرفیت کارشناسی، تحلیل قیمت تمام‌شده، پایش زنجیره تامین و توسعه نظارت داده‌محور، نقش موثرتری در تصمیم‌سازی اقتصادی و صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان ایفا کند.

مهار گرانی نیازمند هماهنگی سیاست‌های اقتصادی است

شریعتمدارطهرانی با بیان اینکه مهار گرانی صرفا ماموریت بازرسان بازار نیست، اظهار کرد: این موضوع مسئولیتی فرابخشی است و به هماهنگی سیاست های پولی، مالی، تجاری، تولیدی و نظارتی نیاز دارد. در مقابل، مقابله با گران فروشی مستلزم نظارت تخصصی، شفافیت اطلاعات و اجرای دقیق قانون است. بازار با افزایش تعداد بازرسی‌ها به‌تنهایی اصلاح نمی‌شود و نظارت زمانی اثربخش خواهد بود که به جای تمرکز صرف بر معلول، علت را شناسایی و برای رفع آن اقدام کند. گرانی را نمی توان صرفا با جریمه کردن فروشنده مهار کرد؛ همان گونه که افزایش هزینه های تولید نیز مجوزی برای گران فروشی نیست. بازار سالم به اقتصاد کارآمد، رقابت منصفانه، نظارت هوشمند و حمایت همزمان از حقوق مصرف کننده و تولیدکننده قانون‌مدار نیاز دارد.



سیتکس به پایان رسید

نمایش توان شرکت‌های فناور در رویداد ایران پیشرو

به گزارش «آگاه» نمایشگاه و رویداد ایران پیشرو (CITEX) که به همت سازمان فناوری های نوین و نوآوری شهری شهرداری تهران برگزار شد، میزبان بیش از ۱۰۰ شرکت دانش‌بنیان فعال در حوزه مدیریت شهری بود. این رویداد با هدف ایجاد ارتباط میان ظرفیت شرکت‌های فناور و نیازهای واقعی مدیریت شهری برپا شد و فین‌تک، خدمات شهری و رفاه شهروندی، حمل‌ونقل و ترافیک هوشمند، هوش مصنوعی، امنیت سایبری، زیرساخت‌های ICT، مدیریت آب، کشاورزی و محیط‌زیست شهری از جمله محورهای مورد توجه در این رویداد بودند.

این نمایشگاه از سه شنبه ۲۶ آبان، با افتتاح شهردار تهران، آغاز شد و با برگزاری مراسم اختتامیه در روز گذشته از ساعت ۱۹:۳۰ به پایان رسید.

فرسودگی و آسیب‌دیدگی ۴۰ درصد مخازن زباله تهران

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهر تهران از برنامه شهرداری برای ترمیم مخازن فرسوده و آسیب‌دیده و راه‌اندازی کارگاه تولید مخازن پسماند در تهران خبر داد.

محمدعلی الفت‌پور در گفت‌وگو با «ایسنا» با اشاره به وضعیت نظافت شهر تهران، اظهار کرد: وضعیت نظافت شهر تهران، به‌رغم برخی موضوعاتی که مطرح می شود، در مقایسه با یک دهه گذشته تفاوت بسیار چشمگیری نداشته است و آمار و اطلاعات نیز نشان نمی‌دهد که وضعیت نظافت شهر بدتر شده باشد.

الفت‌پور ادامه داد: احساس می‌کنم در این زمینه، بعضا به‌جای پرداختن به مباحث تخصصی، اظهارنظرهای غیرتخصصی مطرح می‌شود و حتی در برخی موارد احساس می‌کنم نگاه سیاسی نیز به این موضوع وجود دارد.

وی با اشاره به عملکرد نیروهای خدمات شهری در بارندگی اخیر گفت: در موضوع بارندگی اخیر، یکی از عملکردهای بسیار شایسته را شاهد بودیم. ۱۳ هزار کارگر، پاکبان و عوامل خدمات شهری در شهر تهران در جریان بارندگی اخیر فعالیت داشتند و به همین دلیل برخی اظهارنظرها و مطالبی که متاسفانه در تعدادی از رسانه‌ها مطرح شد، به نظرم کم‌لطفی بود.

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهر تهران افزود: در بارندگی اخیر در برخی شهرهای اطراف و دیگر نقاط کشور، مغازه‌ها، رودخانه‌ها و حتی خانه‌ها زیر آب رفتند، اما براساس آماری که در اختیار داریم، در کل شهر تهران کمتر از ۱۰ نقطه، آب‌گرفتگی‌هایی به مدت یک یا دو ساعت ایجاد شد که تیم‌های عملیاتی شهرداری و همکاران مناطق به‌سرعت برطرف کردند.

الفت‌پور در بخش دیگری از سخنان خود درباره وضعیت مخازن پسماند شهر تهران گفت: در حوزه مخازن با نوعی عقب‌ماندگی مواجه هستیم. البته موضوع، کمبود مخزن نیست، بلکه بخشی از مخازن ما فرسوده و آسیب دیده‌اند. به دستور معاون شهردار تهران، برنامه‌ریزی کرده‌ایم که تا پایان امسال، حدود ۴۰ درصد از مخازن آسیب‌دیده را ترمیم کنیم.

وی ادامه داد: از مجموع ۶۰ هزار مخزن موجود، حدود ۳۷ تا ۴۰ درصد دچار فرسودگی و آسیب شده‌اند. شاید در یک دهه گذشته باید این مخازن ترمیم می‌شدند، اما این اتفاق به طور کامل رخ نداده است. به دستور شهردار تهران، ان‌شاءالله در یک بازه زمانی ۶ تا هشت ماهه، این عقب‌ماندگی در تامین مخازن را جبران خواهیم کرد.

الفت‌پور درباره زمان آغاز فعالیت کارگاه تولید مخزن گفت: تفاهم‌نامه مربوط به این کارگاه امضا شده و طی چند هفته آینده، کارگاه مستقر خواهد شد و تولید مخزن به‌صورت اختصاصی برای شهرداری تهران را آغاز می‌کند. به‌تدریج و در طول این ۶ ماه، این ۴۰ درصد مخازن آسیب‌دیده که عدد قابل‌توجهی است، ترمیم و جایگزین خواهند شد. مردم نیز باید منتظر چهره و نمای بهتری از مخازن در سطح شهر تهران باشند.

وی در ادامه با اشاره به تغییرات در حوزه نظارت بر وضعیت نظافت شهر و استفاده از فناوری‌های نوین گفت: ما به این سمت حرکت می‌کنیم که در این بخش از فناوری‌های نوین استفاده کنیم. همان‌طور که در نمایشگاه سیتکس نشان داده شد در حوزه پسماند نیز اتفاقات فناورانه‌ای در حال شکل‌گیری است. به گفته الفت‌پور، در سازمان مدیریت پسماند، بیش از ۳۰ پروژه فناورانه در حال برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات است. اتفاقات خوبی در سازمان مدیریت پسماند در حال رخ دادن است و با اهتمام شهردار تهران، تلاش می کنیم عقب‌ماندگی شاید دو دهه‌ای در حوزه دفن و پردازش پسماند، مدیریت شیرابه و نظارت بر موضوع جمع‌آوری را در یک بازه زمانی کوتاه جبران کنیم.

وی افزود: شاید نیمی از این پروژه‌ها در آرادکوه اجرا شود. در همین راستا، با چند شرکت فناور درباره موضوع شیرابه، فلرینگ، لندفیل‌ها و سلول‌های بهداشتی مذاکره کرده‌ایم و این شرکت‌ها در حال بررسی و همکاری در این زمینه هستند. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهر تهران با اشاره به مدیریت شیرابه اظهار کرد: در حال حاضر فناوری مستقر و قابل استفاده‌ای در کشور در حوزه مدیریت شیرابه نداریم؛ اما با یکی دو شرکت دانش‌بنیان مذاکره کرده‌ایم. مجموعه‌ای از مستندات را ارائه کرده‌ایم و آنها نیز فرمول‌هایی در اختیار ما قرار داده‌اند که فرمول‌های امیدبخشی هستند و می‌توانیم در همان مسیر حرکت کنیم.

زنگ خطر اشتغال چندگانه پرستاران



رئیس هیات مدیره نظام پرستاری تهران، از اشتغال چندگانه پرستاران، به عنوان زنگ خطری برای حرفه پرستاری یاد کرد.

به گزارش «آگاه» حسین کشتکار، از اتاق عمل به عنوان قلب تپنده بیمارستان و یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام سلامت نام برد و گفت: بیمارستان‌های تهران به دلیل حجم بالای مراجعات و انجام جراحی‌های بزرگ و تخصصی، شرایط کاری دشوار و همکاران پرستار در این مراکز، مسئولیت سنگینی بر عهده دارند.

وی به موضوع اشتغال چندگانه پرستاران اشاره کرد و آن را یکی از مسائل نگران کننده در حوزه پرستاری دانست. کشتکار افزود: در بررسی‌هایی که در محیط‌های بیمارستانی داشته‌ام، مواردی از اشتغال همزمان پرستاران در دو یا سه محل کار مشاهده شده است. این مسئله، به ویژه در مورد پرستاران خانم، زنگ خطری است که باید مورد توجه قرار گیرد. لازم است شرایطی فراهم شود تا همکاران پرستار برای تامین معیشت خود ناچار به اشتغال در چند محل نباشند. وی همچنین با اشاره به کمبود نیروی پرستاری در تهران و مشکلات مسکن و ماندگاری نیروها، خواستار توجه ویژه به اجرای قانون ارتقای بهره‌وری در استان تهران شد و گفت: با توجه به شرایط خاص تهران، لازم است امکان اجرای متناسب و مستقل‌تر قانون ارتقای بهره‌وری برای پرستاران این شهر پیگیری شود تا بتوان از ظرفیت‌های قانونی برای حمایت بیشتر از همکاران استفاده کرد.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
روزنامه آگاه
۶۹۵

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست
سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

شنبه

۳۰ آبان ماه ۱۴۰۵

۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۲۱ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۱۷
اذان ظهر	۱۱:۵۰
اذان مغرب	۱۷:۱۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۶

#تجربه_کردم

در تربیت ما، شرایط و آدم‌های بسیاری نقش دارن.
نقشی هم والدین و اهل خونواده‌مون دارن...
گاهی که نقش‌شون رو درست بازی نمی‌کنن...
یا خودشون هم نیازمند تربیتن(!)...
چاره‌ای نیست، باید نقش‌شون رو در آدم‌های شبیه‌شون جست‌وجو کنیم...
نقش تربیت مادر کم‌دان رو در مادری دانا!...
نقش پدر کم‌فهم رو در پدری فهیم!...
سخته... خیلی!... اما باز من تره از خنگ شدن... یا «رو کردن» به آدم های ناجور.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده



گرامیداشت روز ملی چوگان در اصفهان

همزمان با ۲۷ آبان، روز ملی چوگان، جشن این ورزش کهن ایرانی با برگزاری بازی نمادین چوگان با حضور شهروندان، گردشگران و علاقه‌مندان به فرهنگ ایرانی در میدان تاریخی نقش جهان برگزار شد.

عکس: خدیجه نادری / مهر

چکار کنیم میگرن نگیریم؟

بدخوابی شبانه، یک روز کاری سخت یا گذراندن ساعات طولانی در محیطی پرسر و صدا، ممکن است بخش‌های عادی زندگی به نظر برسند، اما همین موارد می‌توانند باعث شوند که حملات میگرنی با تکرار بیشتری رخ دهند. کسانی که بارها و بارها دچار میگرن می شوند، ممکن است دلیل آن را ندانند.

اگر مستعد ابتلا به میگرن هستید، مغز شما نسبت به تغییرات پیرامون و همچنین تغییرات درون بدن‌تان واکنش شدیدتری نشان می دهد. به همین دلیل، عادت‌های روزمره برای مدیریت و کنترل میگرن اهمیت بسیار زیادی دارند. مکان‌هایی که روز خود را در آنها می‌گذرانید نیز می‌توانند مهم باشند. صداهای مداوم ترافیک، موسیقی، کار پرسر و صدا یا گوش دادن موسیقی بلند با هدفون ها می توانند علائم میگرن را بدتر کنند. مدت طولانی استفاده از صفحه نمایش، نورها، تصاویر چشمک زن و بوهای قوی می توانند حواس شما را بیش از حد درگیر کنند و زمینه ساز ابتلا به میگرن شود.

اما میگرن چیست؟ نوعی سردرد عودکننده که معمولا با دردی متوسط تا شدید همراه می‌شود. این درد در بیشتر موارد تپشی یا ضربان‌دار است و بیشتر در یک سمت سر احساس می‌شود و فرد مبتلا ممکن است همراه با سردرد، حالت تهوع، ضعف یا حساسیت به نور و صدا را هم تجربه کند.

نکته دیگری که اغلب در زمینه حملات میگرنی نادیده گرفته می‌شود، ارتباط استرس با سردرد است. مهلت های کوتاه، فشار کاری، خستگی عاطفی و عدم استراحت کافی می‌تواند احتمال حملات میگرن را افزایش دهد. البته میگرن همیشه زمانی که استرس زیاد است اتفاق نمی افتد. برخی افراد پس از پایان استرس، مانند بعد از پایان یک پروژه کاری یا شروع آخر هفته، آن را احساس می‌کنند.

عادات غذایی

عادات غذایی و نوشیدنی روزانه نیز مهم هستند. حذف وعده‌های غذایی، نخوردن صبحانه، ننوشیدن آب و نوشیدن بیش از حد کافئین (قهوه و چای و به ویژه قهوه) می‌تواند میگرن را تحریک کند. مشاهده الگوهای بین این عادات و دوره‌های میگرن می‌تواند به شما در شناخت عوامل محرک کمک کند.

مدیریت میگرن

به یاد داشته باشید که میگرن یک بیماری مغزی است، نه فقط یک سردرد معمولی. حملات میگرن می توانند باعث درد ضربان دار، حالت تهوع، استفراغ و حساسیت به نور و صدا شوند و می توانند ساعت ها یا روزها طول بکشند. استفاده مداوم از مسکن ها به صورت خودسرانه و بدون مشورت و تجویز پزشک می تواند باعث سردردهای ناشی از مصرف بیش از حد دارو شود.

افرادی که میگرن دارند باید یک دفترچه یادداشت داشته باشند. آنها در این دفترچه باید وضعیت خواب، غذا، استرس و محیط را ثبت کنند. این می‌تواند محرک‌های مکرر را نشان دهد. از طریق نگارش این یادداشت می‌توانید به انتخاب درمان مناسب کمک کنید. میگرن ناگهانی شدید یا میگرنی که با ضعف، گیجی یا مشکل در صحبت کردن همراه است، نیاز به کمک فوری پزشکی دارد. مدیریت میگرن چیزی بیش از متوقف کردن درد پس از شروع آن است؛ دانستن اینکه عادات روزانه چگونه بر مغز تاثیر می‌گذارند و ایجاد تغییرات می‌تواند دفعات میگرن را کاهش داده و زندگی روزمره را آسان‌تر کند.

با نوشیدن این چای، به جنگ سرطان بروید و از آن پیشگیری کنید

چای سبز ممکن است توانایی ایجاد مرگ سلول‌های سرطانی را بدون آسیب رساندن به سلول‌های سالم اطراف داشته باشند.

سرطان از طریق ترکیبی از عوامل، از جمله ژنتیک، قرار گرفتن در معرض عوامل محیطی و سبک زندگی ایجاد می‌شود. اگرچه برخی از این تاثیرات خارج از کنترل ما هستند، اما نحوه غذا خوردن، تحرک و مراقبت از بدن ممکن است بر خطر ابتلا به سرطان تاثیر بگذارد. آنچه می نوشیم نیز مهم است، زیرا برخی از نوشیدنی ها حاوی ترکیبات گیاهی هستند که محققان در حال بررسی نقش بالقوه آنها در پیشگیری از سرطان هستند. یکی از نوشیدنی‌های که توجه بسیاری را به خود جلب کرده است، چای سبز است.

بخشی از نقش بالقوه چای سبز در پیشگیری از سرطان از کاتچین‌های آن ناشی می‌شود که ترکیبات گیاهی با خواص آنتی اکسیدانی هستند. براساس تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است به طور خاص، یکی از کاتچین ها، اپی گالوکاتچین گالات (EGCG)، ممکن است به محافظت از سلول ها در برابر استرس اکسیداتیو و آسیب کمک کند.



«نیکول اندروز»، متخصص تغذیه و سرطان شناسی، می گوید: «به طور خاص، آنتی اکسیدان ها به خنثی سازی رادیکال های آزاد کمک می کنند که مولکول‌های ناپایداری هستند که می‌توانند در صورت تجمع بیش از حد به سلول‌ها و DNA آسیب برسانند.» او توضیح می‌دهد که از آنجا که آسیب DNA می‌تواند در ایجاد سرطان نقش داشته باشد، محققان علاقه مند به بررسی این موضوع هستند که چگونه آنتی اکسیدان‌های چای سبز ممکن است به محافظت از سلول‌ها در طول زمان کمک کنند.

تحقیقات نشان می‌دهند چای سبز همچنین به دلیل ظرفیت آن برای تاثیرگذاری بر التهاب و فرآیندهای سلولی دخیل در ایجاد سرطان مورد مطالعه قرار گرفته است. التهاب مزمن می‌تواند محیطی ایجاد کند که رشد غیرطبیعی سلول را تشویق کند، در حالی که اختلال در تنظیم طبیعی سلول می‌تواند به سلول‌های آسیب دیده اجازه دهد که به جای از بین رفتن، تکثیر شوند. برخی تحقیقات اولیه همچنین نشان می‌دهد که کاتچین های چای سبز ممکن است توانایی ایجاد مرگ سلول‌های سرطانی را بدون آسیب رساندن به سلول‌های سالم اطراف داشته باشند.

سبک زندگی

چگونه برنج ایرانی را از خارجی تشخیص دهیم؟

تفاوت برنج ایرانی و خارجی را در عطر، طعم، قد کشیدن، نگهداری، پخت و ارزش غذایی می‌توان خلاصه کرد؛ برنج ایرانی خوش عطرتر و طبیعی‌تر است، اما برنج خارجی ارزان‌تر و بلندتر.

انتخاب برنج مناسب فقط به قیمت و بلندی دانه نیست؛ عطر، طعم، میزان قد کشیدن، خشک نبودن و نحوه نگهداری هم تعیین‌کننده‌اند. در این راهنما تفاوت برنج ایرانی و خارجی را ساده و کاربردی بررسی می‌کنیم تا برای پلو روزانه، مهمانی یا رستوران انتخاب دقیق‌تری داشته باشید.

تفاوت برنج ایرانی و خارجی؛ برنج ایرانی برای پلو مهمانی بهتر است یا خارجی؟

۱.قد کشیدن و بافت برنج

برنج ایرانی معمولا کمتر از همتای خارجی قد می‌کشد، اما انعطاف بیشتری دارد و خشک نیست. برنج خارجی اغلب خشک‌تر است و به خوشمزگی برنج ایرانی نیست.

۲.رنگ برنج

رنگ برنج ایرانی سفید مایل به شیری است، اما برنج خارجی سفیدی قابل توجهی دارد. دانه‌های بلند و یکدست برنج خارجی باعث شده بسیاری از رستوران‌ها برای پلوی دانه‌دانه از آن استفاده کنند.

۳.طعم و عطر

برنج ایرانی طعم و عطر بهتری دارد. هنگام پخت و میل کردن، عطر و مزه آن کاملا محسوس است. برنج خارجی معمولا عطر طبیعی خاصی ایجاد نمی‌کند و طعم دندان‌گیری ندارد. البته برخی برنج های خارجی مثل باسماتی پاکستانی خوش عطرند، اما هیچ‌کدام به برنج ایرانی نمی‌رسند. عطر برخی برنج‌های خارجی هم بیشتر به ادویه و عطرهای مصنوعی وابسته است.

۴.مدت نگهداری

درتهیه برنج خارجی معمولا از مواد نگهدارنده استفاده می‌شود؛ بنابراین ماندگاری بیشتری دارد. برنج ایرانی بدون ماده نگهدارنده و کاملا طبیعی عرضه می‌شود؛ همین موضوع نگهداری آن را سخت‌تر می‌کند و احتمال بید و شپش را افزایش می‌دهد.

۵.نحوه پخت

برنج ایرانی را باید کمی در آب خیس کنید تا قد بکشد و بلندتر شود. برنج خارجی به این کار نیاز ندارد، سریع‌تر می‌پزد و احتمال شفته شدنش کمتر است. همین ویژگی‌ها باعث شده رستوران‌ها و برخی افراد برای مهمانی از برنج خارجی استفاده کنند.

۶.ارزش غذایی

برنج ایرانی فرآوری کمتری دارد و طبیعی‌تر است؛ بنابراین ارزش غذایی بیشتری دارد. برنج خارجی فرآوری می‌شود و افزودنی‌ها می‌توانند مواد مغذی آن را کاهش دهند.

برنج ایرانی بهتر است یا خارجی؟

قیمت برنج ایرانی معمولا بیشتر است. اگر هزینه برایتان مهم است، برنج خارجی انتخاب اقتصادی‌تری است. اما اگر عطر، طعم و کیفیت برایتان اولویت دارد، برنج ایرانی گزینه بهتری است. برنج ایرانی برای مهمانی و مصرف زیاد توصیه می‌شود؛ به‌ویژه اگر خوش عطری و طعم طبیعی برایتان مهم باشد.



تشخیص برنج ایرانی از خارجی

- حتی برنج ایرانی خام هم عطر دارد؛ برنج خارجی معمولا بی‌بوتر است.
- برنج ایرانی شیری رنگ است؛ برنج خارجی سفیدی بیشتری دارد.
- دانه‌های برنج ایرانی یکدست‌ترند؛ برنج خارجی دانه‌های یک‌شکل کمتری دارد.
- برنج ایرانی کمتر خرد می‌شود؛ برنج خارجی شکننده‌تر است.

خرید برنج ایرانی به دلیل عطر، طعم، طبیعی بودن و ارزش غذایی بیشتر توصیه می‌شود. با این حال، اگر قیمت یا پلوی بلند و دانه‌دانه برایتان اولویت دارد، برنج خارجی گزینه‌ای قابل بررسی است. انتخاب نهایی به بودجه، سلیقه و نوع مصرف شما بستگی دارد.

تغذیه در هوای آلوده از میوه‌ها تا لبنیات

یک متخصص تغذیه، نسبت به مصرف غذاهای پرچرب و شیرینی‌های صنعتی در روزهایی که هوا آلوده است، هشدار داد.

غزاله اسلامیان، با اشاره به اینکه مایعات به میزان قابل توجهی اثرات مخرب آلودگی هوا بر سلامت را کاهش می‌دهد، گفت: دریافت مایعات را افزایش دهید، حداقل هشت لیوان آب در روز خورده و از آب میوه‌های طبیعی به جای آب میوه صنعتی استفاده کنید.

وی افزود: استفاده از نوشیدنی ها و غذاهای حاوی کافئین را به حداقل برسانید، تا جایی که ممکن است از قهوه، نسکافه، چای پررنگ، نوشابه‌های گازدار و شکلات تلخ استفاده نکنید.

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با اشاره به اینکه میوه ها و سبزیجات زرد و نارنجی سرشار از ویتامین A هستند، گفت: کدو حلوایی، هویج، فلفل دلمه‌های رنگی، خرمالو و نارنگی اثرات مخرب آلودگی هوا را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد و در مقابل از دریافت مواد غذایی شیرین صنعتی مثل انواع کیک، شیرینی، کلوچه، شکلات، آبنبات و دسرهای حاوی قند و شکر پرهیز کنید.

اسلامیان با بیان اینکه میوه ها و سبزی های قرمز رنگ سرشار از آنتی اکسیدان هستند، اضافه کرد: انار قرمز تازه دون شده، چغندر (لبو) و کلم قرمز از این دسته‌اند. وی با بیان اینکه استفاده از شیر در روزهای آلوده توصیه می‌شود، خاطرنشان کرد: مصرف شیر و لبنیات را بیش از نیاز روزانه، دو واحد در روز مصرف نکنید.

این متخصص تغذیه با بیان اینکه استفاده از میوه ها و سبزیجات سطح دریافت ویتامین C را افزایش می دهد، ادامه داد: لیموترش تازه، مرکبات (لیمو شیرین، پرتغال و نارنگی)، کیوی و افرادی که در محیط های باز کار می کنند روزانه یک عدد مکمل یا قرص جوشان ویتامین C مصرف کنند.

اسلامیان، بر منع مصرف غذاهای پرچرب در تمامی شرایط خصوصا در روزهایی که هوا آلوده است، توصیه کرد و افزود: غذاهای چرب مثل انواع فست فودها، کره، خامه و سرشیر و روغن های جامد منع مصرف دارند.

وی با تاکید بر اینکه دریافت منابع غذایی حاوی ویتامین E در روزهایی که هوا آلوده است کمک قابل توجهی به بازسازی بدن می کند، ادامه داد: غذاهای کنسروی و حاوی نگهدارنده را در روزهایی که هوا آلوده است، مصرف نکنید.

اسلامیان اضافه کرد: منابع غذایی حاوی امگا ۳ را افزایش دهید، انواع ماهی‌ها، گردو، روغن کانولا (کلزا)، سبزی‌های برگ سبز تیره مثل اسفناج و سبزی خوردن را در برنامه غذایی خود بگنجانید.

اصلاح استوری در اینستاگرام ممکن شد



متا در حال برطرف کردن یکی از ویژگی‌های آزاردهنده اینستاگرام است.

به نقل از انگجت، مشکلی که به طور حتم تقریبا تمام سه میلیارد کاربر این پلتفرم، دست‌کم یک بار با آن مواجه شده‌اند.

بیش از یک دهه پس از آنکه قابلیت استوری به یکی از بخش های اصلی اپلیکیشن اشتراک گذاری عکس اینستاگرام تبدیل شد، این پلتفرم امکان ویرایش پست‌ها را پس از انتشار در اختیار کاربران قرار می‌دهد.

به گفته آدام موسری، رئیس اینستاگرام، کاربران می توانند بدون نیاز به حذف استوری، غلط املایی یا موارد دیگر را اصلاح کنند.

با اعمال این تغییر، کاربران اینستاگرام ۱۵ دقیقه فرصت دارند تا استوری‌های خود را ویرایش کنند، بدون اینکه بازدیدها، لایک ها و پاسخ های دریافتی آنها از بین برود.

حذف کردن و بارگذاری مجدد یک استوری شاید در نگاه اول دردسر بزرگی به نظر نرسد، اما زمانی که این اتفاق در میان مجموعه ای از پست ها رخ می‌دهد، می‌تواند آزاردهنده باشد.

از آنجا که اسلایدهای استوری به ترتیب زمانی معکوس نمایش داده می شوند، اگر تصاویر دیگری بلافاصله قبل و بعد از یک پست قرار گرفته باشند، هیچ راهی وجود ندارد که آن پست را حذف و دوباره منتشر کنید و در همان جایگاه قبلی نمایش داده شود. این مسئله برای تولیدکنندگان محتوای حرفه‌ای یا مدیران شبکه‌های اجتماعی حتی بدتر است زیرا آنها باید نگران تاثیر انتشار مجدد محتوا بر آمار و شاخص های عملکردی خود باشند.

بنابراین، اگرچه مهلت ۱۵ دقیقه‌ای ویرایش تنها انعطاف پذیری محدودی در اختیار کاربران قرار می‌دهد، اما این فرصت را فراهم می‌کند تا اشتباهاتی را که پس از انتشار محتوا متوجهشان شده‌اند را اصلاح کنند.

مشخص نیست چرا اجرای چنین تغییر به ظاهر بدیهی‌ای برای اینستاگرام تا این اندازه طول کشیده است. متا مدت‌هاست که به کاربران اجازه می‌دهد پست‌های معمولی اینستاگرام خود را پس از انتشار ویرایش کنند. موسری در این باره نوشت: «افراد زیادی درخواست این قابلیت را داشتند و من خوشحالم که بالاخره آن را در اختیار کاربران قرار می‌دهیم.»

این قابلیت در حال حاضر به تدریج برای کاربران فعال می شود. کاربران می توانند پس از در دسترس قرار گرفتن امکان ویرایش، از طریق منوی «بیشتر» (More) و انتخاب گزینه «ویرایش استوری» (Edit Story)، تغییرات مورد نظر خود را در استوری‌ها اعمال کنند. پست‌هایی که ویرایش شده باشند، هنگام مشاهده توسط سایر کاربران، برچسب «ویرایش شده» خواهند داشت. اینستاگرام همچنین در حال اعمال تغییراتی در برخی بخش های ابزار ساخت استوری نیز هست. این اپلیکیشن گزینه های رنگ پس زمینه موجود را به روزرسانی می کند تا طیف های رنگی گرادیانی و جلوه های بصری دیگری را نیز شامل شوند. همچنین اشتراک گذاری و قالب‌بندی چندین تصویر به صورت همزمان را آسان‌تر می‌کند.

واتس‌اپ اعضای گروه‌ها را افزایش می‌دهد

واتس‌اپ در حال افزایش ظرفیت گروه‌های خود از ۱۰۲۴ به ۱۵۰۰ عضو است؛ قابلیتی که به‌تدریج برای کاربران اندروید و iOS منتشر می‌شود.

به نقل از WABetaInfo، واتس‌اپ در حال عرضه تدریجی امکان افزایش تعداد اعضای گروه ها به ۱۵۰۰ نفر است. این تغییر علاوه بر گروه های معمولی، گروه‌های زیرمجموعه انجمن‌های واتس‌اپ (Communities) را نیز شامل می‌شود.

بر اساس این گزارش، گروه‌های فعلی نیز به‌صورت خودکار از ظرفیت جدید پشتیبانی خواهند کرد و مدیران برای استفاده از آن نیازی به تغییر تنظیمات ندارند. در نتیجه، گروه‌هایی که پیش‌تر به سقف ۱۰۲۴ عضو رسیده بودند، با فعال شدن این قابلیت می‌توانند حداکثر ۴۷۶ عضو جدید بپذیرند.

این قابلیت در حال حاضر برای برخی کاربران نسخه‌های جدید واتس‌اپ در اندروید و iOS فعال شده و قرار است به‌تدریج در اختیار کاربران بیشتری قرار بگیرد. بنابراین ممکن است همه کاربران در حال حاضر به ظرفیت جدید دسترسی نداشته باشند. گفتنی است محدودیت ۲۰۰۰ نفری گروه های اطلاع‌رسانی انجمن‌های واتس‌اپ تغییری نمی‌کند؛ زیرا این گروه‌ها پیش از این نیز از ظرفیت بالاتری برخوردار بوده‌اند.

آب و هوا

تداوم بارش در برخی مناطق



بررسی الگوهای هواشناسی از تداوم بارش در برخی مناطق و افزایش دما در نوار شمالی حکایت دارد.

بررسی خروجی مدل‌های پیش‌بینی هواشناسی نشان می‌دهد طی روزهای آینده، بخش عمده‌ای از مناطق کشور با جوی آرام و بدون بارش قابل توجه مواجه خواهند بود. برای برخی مناطق شمالی، شمال غربی و شمال شرقی کشور بارش های پراکنده باران و در ارتفاعات بارش برف پیش بینی شده است. امروز شنبه در اغلب مناطق کشور بارش قابل توجهی پیش‌بینی نشده و شرایط جوی عمدتا پایدار خواهد بود.

یک‌شنبه آینده با فعالیت موجی در شمال غرب کشور، احتمال بارش باران و برف در مناطق شمالی آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی و شمال استان اردبیل وجود دارد. دوشنبه دوم آذر بارش های پراکنده در بخش هایی از استان‌های اردبیل، گیلان، مازندران و شمال آذربایجان شرقی دور از انتظار نیست. خروجی مدل‌های هواشناسی از افزایش نسبی دما در نوار شمالی کشور طی روزهای پیش رو حکایت دارد.